درود پرشور بر پاسداران، سربازان، درجه‌داران، افسران و همهٔ رزمندگان مسلح، که با دلیری و جانبازی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دوره‌هفتم، سال دوم، شمارهٔ ۳۴۳
یکشنبه ۶ مهر ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

در تمام جبهه جنگ و درتمام درگیریهائی که از هوا و زمین و دریابین تجاوزگران بعثی‌عراقی و نیروهای مسلح‌جمهوری‌اسلامی ایران رخ داده، پاسداران، سربازان، درجه‌داران، افسران‌و همه رزمندگان مسلحی که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند، ازخودروحیه‌انقلابی و دلاوری شایستهٔ‌هرگونه تحسین بروز داده‌اند. و این مایه افتخار و سرافرازی آنها، مایه افتخارو سرافرازی خلق قهرمان ایران، نوید پیروزی بر دشمن متجاوز است.

انتظاری هم جز این نبود.

جنگی که برما تحمیل شده است، از جانب عراق،جنگی‌است تجاوزی، غاصبانه و ظالمانه، واز جانب‌ما، تدافعی و عادلانه. ما با دشمنی روبرو هستیم که‌میخواهد انقلاب رهائیبخش ما را در هم شکند و مجددا یوغ اسارت امپریالیسم‌آمریکا را برما تحمیل کند. ما درمقابل، از انقلاب ضدامپریالستی و خلقی‌خود، از آزادی خود و از استقلال‌وتمامیت ارضی کشور خود دفاع‌میکنیم. و بهمین دلیل نیروهای مسلح‌ما، باروحیه‌عالی، با ازخودگذشتگی، باشجاعت و دلاوری، با اطمینان به پیروزی نهائی میجنگند. این امتیاز بزرگ ما بردشمن‌متجاوز است، امتیاز سرنوشت‌سازی‌است که دشمن متجاوز از آن بی‌بهره است و نمیتواند از آن‌بهره‌مند باشد.

دراین روزها که‌رژیم‌جنایتکار بعثی عراق، در اجرای نقشه آمریکا برای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران، بجنگ متوسل شده، روحیه رزمنده خلق قهرمان ما تقویت انقلابی یافته،شور و شوق‌انقلابی مردم بالاگرفته،همبستگی‌انقلابی مردم استحکام پذیرفته، پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه خلق‌انقلابی ما از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، که در جبهه جنگ از انقلاب و کشور در برابر دشمن متجاوز دفاع میکنند، بنحوی شورانگیز بروز کرده است.

این پشتیبانی، چشمه جوشان

بقیه در صفحهٔ ۲

حزب کمونیست عراق:

اکنون هماهنگی کامل میان سیاست امپریالیسم امریکاورژیم عراق برضدایران پدیدارشده است

صفحه ۴

توطئه جدید امپریالیسم امریکا درخلیج فارس

هنوز چندساعتی ازآغازجنگ تحمیلی رژیم مزدور بعثی‌عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نگذشته بود، که جیمی کارتر، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده‌امریکا، «بیطرفی!» آمریکا را در قبال این جنگ اعلام داشت. اعلام «بیطرفی!» از جانب دولتی که از نخستین دقایق پیروزی انقلاب۲۲ بهمن، حتی لحظه‌ای از دسیسه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی نوپای ایران بازنایستاد و در راه پیشبرد هدفهای انقلاب‌شکنانه‌خود از هیچگونه جنایتی فروگذار نکرده است، حداقل وقیحانه‌می‌نماید. رویداد طبس و کودتای «نسیه» پرورده و نافرجام، نیز تنها دونمونه بارز از مداخلات آشکار آمریکا در امور کشور ماست. همین چندروز پیش، روزنامهٔ«واشینگتن پست» گزارش داد که‌بدستور کارتروبرژینسکی، گزارشی‌محرمانه‌درباره مداخلات آمریکا در ایران در دهه‌های گذشته در وزارت خارجه آن کشور تنظیم شده است که، در صورت افشاء «جنجال‌انگیز»تر از تاریخ‌سیاست ایالات متحده آمریکا در برابر ویتنام خواهد بود. یادآورمیشویم که‌امپریالیسم آمریکا هشت سال تمام برای سرکوب جنبش آزادیبخش هندوچین، به‌مداخلهٔ‌نظامی گسترده درویتنام دست زد و تنها در ویتنام جنوبی بیش از یك‌میلیون و نیم غیر نظامی کشته و یازخمی شدند. همین چندهفته پیش، جك‌اندرسون، روزنامه‌نویس آمریکائی، فاش کرد که دولت کارتر قصد دارد، برای افزایش وجهه انتخاباتی خود، نقشه‌های براندازی رژیم انقلابی ایران را تشدید‌بخشد و تا اواسط اکتبر، ازجمله، گروهی از کماندوهای خودرا در خاك ایران پیاده کند.

ازاین گذشته،همه‌کس میداند که تجاوز نظامی‌رژیم مزدور بعثی عراق، درست درچارچوب توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی- ایران انجام میگیرد. صدام‌حسین در این توطئه تنها نقش نیروی ضربتی را بعهده گرفته است. بگفتهٔ امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگزارجمهوری اسلامی ایران، ما درواقع با آمریکا درجنگیم.

اگر در اینباره کوچکترین شبهه‌ای موجود بود، پیشنهاد کارتر، مبنی‌بر هماهنگی‌اقدامات امپریالیسم آمریکا و متحدان غربیش برای پاسداری‌از «منافع حیاتی!» غرب در منطقه خلیج فارس، چنین شبهه‌ای رااز میان برداشت. بگفتهٔ سخنگوی‌رسمی دولت ژاپن، کارتر پیشنهادکرده است که آمریکا، ژاپن، ایتالیا، بریتانیا، فرانسه و آلمان غربی

«راههای تضمین عبور و مرور
بقیه در صفحهٔ ۲

توده‌ایها درسنگر دفاع از انقلاب وجمهوری اسلامی ایران

اطلاعات نادرست و تصورات واهی و بی‌اساس بلایائی است که هرگاه گریبانگیر شود، کار را به گمراهی و دوری از هدف و نتیجتا به ناکامی میکشاند. واگر انسان در اسارت ابدی و کورکورانه اطلاعات و تصورات نادرست قرار گیرد، هرگز براه درست نخواهد رسید و در تداوم ناکامی‌ها بالاخره به‌نابودی‌خواهد رسید. تصور این حالت مشکل نیست که اگر یك‌جنبش انقلابی براساس اطلاعات‌نادرست، دوست و دشمن خود را با هم اشتباه کند و یکی‌را بجای دیگری بگذاردو یا اقدام شدنی و نشدنی را از هم تشخیص ندهد و سیاه‌وسفید را در یك کفهٔ ترازو بگذارد و دوغ و دوشاب را بهم قاطی کند، کارش به‌کجا خواهد انجامید.

ولی انقلاب شکوهمند ایران‌و حضور پرفیض و برکت‌توده‌های میلیونی مستضعف و محروم و عدهٔ زیادی چهره‌های صدیق انقلابی درسرچشمه این انقلاب عظیم ما، راه درست و نادرست‌و حق و باطل را از هم متمایز ساخته است. سرشت انسانی و خلقی انقلاب ودرایت وروشن‌بینی رهبر انقلاب تاکنون عمده‌ترین عامل جلوگیری از انحراف و اصلاح برخوردها، قضاوتها و عملکردها بوده‌است. و این بزرگترین مایهٔ امید پیروزی قطعی و نهائی انقلاب واستحکام و شکوفائی جمهوری اسلامی ایرانست.

در زمینه مورد بحث‌نمونه‌های فراوانی در دست داریم، که یکی از مهمترین آنها مسئله‌برخورد باحزب توده ایران در جامعه ماست.

پس‌از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب ۲۲بهمن ۱۳۵۷، یعنی بیش‌از یك‌ربع‌قرن، دستگاه عظیم تبلیغات رژیم‌منفور پهلوی وسیای‌امریکا وگروههای منحرف چپ‌نما، علیه حزب توده ایران دروغها گفتند و افتراها زدند و افسانه‌ها بافتند. روزی که انقلاب پیروز شد، با کوهی از اوهامات و اتهامات و خرافه‌های ضدتوده‌ای مواجه بودیم. عده کثیری از مردم، با رسوبات تبلیغات ضدتوده‌ای و ضدکمونیستی دوران‌رژیم‌دست‌نشانده پهلوی و درنتیجه تکرار یکربع قرنی افتراهای ضدتوده‌ای، تصور بکلی غلطی دربارهٔ حزب توده ایران داشتند.

ولی در آزمایشگاه زندگی، برای همه مردم صدیق و شریف کشور و مقامات و مسئولان‌متعهد و منصف جمهوری اسلامی‌ایران به‌تواتر به‌اثبات رسید و روشن شد که تبلیغات و تصورات‌سابق دربارهٔ‌حزب توده ایران مبنای عادلانه نداشته است.

اکنون که واقعیت حزب توده ایران در بوته آزمایش زندگی

بقیه در صفحهٔ ۲

زنهار از «خط برژینسکی»

امام خمینی درمورد جنگی که رژیم بعثی عراق‌برما تحمیل کرده است، اعلام داشت که:

«ایران در حال جنگ است با آمریکا».

رئیس‌جمهور اعلام داشت که:

«دولت بعث عراق در تابعیت کامل از امریکا عمل میکند».

نخست‌وزیر اعلام داشت که:

«استکبار جهانی و در راس‌آن آمریکای تجاوزگر ازطریق‌دولت بعثی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران تلاش مذبوحانه‌اش را سازمان داد».

رئیس مجلس شورای اسلامی، امام جمعه تهران و همهٔ دیگر مسئولانی که آمریکای جنایتکار را دشمن اصلی انقلاب وجمهوری اسلامی ایران میشناسند و بسیج و تجهیز تمام نیروی خلق‌قهرمان ایران را علیه «شیطان بزرگ»، شرط ضرور برای حفظ وتثبیت وتحکیم انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران میدانند، نیز در این‌لحظات حساسی که جنگ تمام‌عیارزمینی، هوائی و دریائی برماتحمیل شده،

بقیه در صفحهٔ ۲

به‌جان من و تو

شب که تاریکی می‌افتد بیگاه به‌بام من و تو
و خطر
می‌برد رشتهٔ کلام من و تو
شب که در سنگر خاموشی همرزمانیم
شب که بیدار بناچار به غمخواری هم
میمانیم

بتو می‌اندیشم
و بخود مینگرم
راستی را چه جدائی است میان من و تو
اندر آن‌جا که‌خطرهاست به‌جان‌من‌و‌تو!؟

سیاوش کسرائی
جمعه شب ٤ مهرماه ۱۳۵۹

تشنج آفرینی بسود ضدانقلاب است

تشنج‌آفرینی یکی ازشیوه‌های عمده عمل امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پروردهٔ آن علیه‌انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. باید با هوشیاری، خونسردی و متانت انقلابی و قاطعیت اصولی هرگونه تشنجی راپیشگیری کرد. توطئه گسترده دشمن اصلی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، تدریجا در حال پیاده شدن‌است. این‌توطئه، در بخش‌های داخلی وخارجی ودر رشته‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیك،

بقیه در صفحهٔ ۷

شورای کارمندان منطقه خطوط لوله ـ مخابرات ری (شرکت ملی نفت ایران) آماده دفاع ازمرزهای میهن است

شورای کارمندان منطقه‌خطوط لوله ـ مخابرات ری (شرکت‌ملی نفت ایران) بمناسبت تجاوزنظامی رژیم بعثی‌عراق‌به‌ایران‌اطلاعیه‌ای انتشار داده است. در این‌اطلاعیه آمده است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم
رهبر عظیم‌الشان‌انقلاب اسلامی و ملت شریف ایران
درحالیکه رژیم خونخوار بعث عراق حملات ناجوانمردانه خودرا به میهن ما شروع کرده است، از کلیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، که شجاعانه‌پوزه‌مزدوران عراقی را بخاك مالیده‌اند، حمایت و پشتیبانی مینمائیم و بدینوسیله آمادگی خود را جهت جانبازی‌و فداکاری در راه اهداف مقدس انقلاب اسلامی و حفظ‌و حراست از مرزهای میهن عزیزمان اعلام میداریم.»

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات نفت ری (شرکت ملی‌نفت‌ایران) پشتیبانی مجددخودرا ازامام‌خمینی اعلام میدارد

صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

www.iran-archive.com

زنهار از خط...

بقیه از صفحه ۱

تاکید و تصریح میکنند که، این دست آمریکاست که ازآستین رژیم بعثی عراق بدرآمده‌وتهاجم نظامی عراق جزئی از نقشه تبهکارانه‌آمریکای‌جهانخواراست که‌برای براندازی‌جمهوری‌اسلامی ایران طرح و بموقع‌اجراگذارده شده است.

ولی پیروان خط سیاسی ـ تبلیغاتی برژینسکی، حتی دراین لحظات حساس، حتی در حالی‌که کشور در معرض تهاجم نظامی قرار گرفته و درحال‌جنگ‌است، کوشش خود را برای انحراف افکار عمومی و مبارزه عمومی از دشمن واقعی بسوی‌دشمن خیالی، ادامه میدهند. کوشش مستمر اینان در جهت توسعه و تعمیق سوءظن نسبت به اتحاد جماهیر شوروی، تیره‌ساختن مناسبات جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی‌است، ممانعت از حمایت اتحاد شوروی ازانقلاب‌وجمهوری اسلامی ایران است، زیرابنابه دستور برژینسکی:

«بعقیده رئیس‌جمهور (کارتر) پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصا توسط اتحاد شوروی، حتما به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد».

برای پیروان خط برژینسکی، هرگونه عوام‌فریبی، هرگونه دروغ‌سازی، هرگونه تهمت و افترا مجاز است.میتوان‌ایدئولوژی رژیم بعثی عراق را به نوعی به «مارکسیسم» چسباند. می توان نظام اجتماعی عراق را بگونه‌ای «سوسیالیستی» نامید، میتوان‌حتی باین عوام‌فریبی ارزان‌متوسل شد که، چون بخشی از اسلحه‌عراق «روسی» است‌و تاکید و تکرار که این اسلحه «روسی» است، به مردم تلقین کرد که گویا«روسیه» هم درتهاجم عراق بایران دست دارد و دشمن انقلاب‌ایران است.

آیا برای این بورژوالیبرالهای پیرو خط برژینسکی، معلوم‌نیست که ایدئولوژی رژیم‌بعثی عراق هیچ وجه اشتراکی با مارکسیسم ندارد؟ .آیا نمیدانند که نظام اجتماعی‌عراق سوسیالیستی‌نیست؟ آیا متوجه نیستند که اسلحهٔ «روسی»، که‌عراق‌زمانی درشرایط بکلی دیگری، از اتحاد شوروی خریداری کرده،دلیل برهم‌آهنگی سیاسی عراق با شوروی نیست، کمااینکه اسلحه آمریکائی کنونی ارتش ایران، دلیل براین نمیتواند باشد که جمهوری اسلامی‌ایران‌باآمریکا هم‌آهنگی سیاسی دارد؟

چرا میدانند و خوب میدانند، ولی درعین‌حال میدانند که برای پیشبرد خط برژینسکی در ایجاد سوءظن نسبت به‌اتحادشوروی و در راه **«پایان‌دادن به حمایت شوروی‌ازجمهوری اسلامی‌ایران»**، که به‌تضعیف جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد، وسیله دیگری جز این جزعبلات و یا سناریوهائی نظیرسناریوی‌تیریز‌ـ مکزیکو (که پته آن روی آب افتاد) وجود ندارد.

البته باید متوجه بود ومتوجه هستیم که، هستند افرادی که، یا بسبب افتادن در دام‌تبلیغاتی بورژوا ـ لیبرالهای پیرو خط برژینسکی و یا بدلیل رسوب تاثیرات تبلیغاتی که سالیان‌دراز در ایران برضد اتحاد شوروی، بی‌وقفه انجام گرفته، گاه وبیگاه، اینجا و آنجا، برخی از دعاوی ضدشوروی مغرضانه رابی‌غرضانه تکرار میکنند.

روی سخن ما در این مقال، با اینان است،نه با پیروان علاج‌ـ ناپذیر خط برژینسکی، که دانسته در راه مقصود «پایان‌دادن حمایت‌شوروی ازجمهوری‌اسلامی ایران»، که به‌تضعیف جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد، در تلاش و تکاپو هستند.

روی‌سخن‌ما با این بی‌غرضان است. ما باینان زنهار میدهیم که باید هوشیار بود و در دام خط برژینسکی نیفتاد.

بگذریم از اینکه‌نظام‌اجتماعی‌ـ اقتصادی در اتحاد شوروی سوسیالیستی است و در این کشور حکومت کارگران‌ودهقانان برقرار است و این حکومت ذاتا حامی مستضعفان و رژیم‌های‌ضدـ امپریالیستی است. بگذریم از اینکه هرجا جنبش رهائیبخش ضدامپریالیستی وخلقی‌سرگرفته و هرجا کشور مستقلی‌باسیاست ضدامپریالیستی برقرار شده، مورد پشتیبانی اتحاد شوروی‌قرار گرفته است، و انقلاب ما و جمهوری اسلامی ایران‌استثنا نیست و نمیتواند باشد. لااقل، برای پرهیز از گمراهی‌وافتادن در دام **«خط برژینسکی بورژوازی لیبرال ایران»** باید این سئوال ساده را مطرح کرد و به‌آن‌پاسخ داد که: آیا اتحاد شوروی با خودش دشمن است؟ اگر عقل سلیم حکم میکند که پاسخ این سئوال منفی است، آنگاه باید قبول کرد که اتحاد شوروی نه مخالف، بلکه موافق، نه دشمن، بلکه دوست و حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، لااقل باین دلیل غیرقابل‌انکار که، این انقلاب پایگاه‌نظامی آمریکائی ضدشوروی رادرایران درهم کوبیده و این جمهوری اسلامی ایران درقانون اساسی خود اعلام داشته که دیگر در ایران پایگاه نظامی‌بیگانه‌هرگز استقرار نخواهد یافت. وانگهی، به عمل اتحاد شوروی درمناسبات خود با ایران بنگریم. مگر این کشور نبود که تحریم اقتصادی ایران را وتو کرد؟ مگر این کشور نبود که مکرر و رسما ایالات متحده امریکا رااز‌تجاوز نظامی به جمهوری اسلامی‌ایران برحذر داشت؟ مگر این کشور نیست که علی‌رغم‌انواع کارشکنی‌ـ های قطب‌زاده‌ها، همواره دست دوستی خود را بسوی جمهوری اسلامی ایران دراز کرده است؟

بورژوا ـ لیبرالهای ایرانی‌پیرو خط برژینسکی، به ما ـحزب توده ایران‌ـ تهمت میزنند که‌ما بدلیل «وابستگی»، از اتحاد شوروی دفاع میکنیم. ولی اینان که خود درصددند امریکای غارتگر وستمگر، امریکای‌دشمن اصلی ایران را از «پنجره» به ایران بازگردانند، بهتر از هر کس دیگری میدانند که ما «وابسته» به احدی نیستیم و دفاع ما، دفاع از انقلاب ضد ـ امپریالیستی و خلقی ایران، از استقلال و آزادی ایران، از جمهوری اسلامی ایران در برابر امپریالیسم جهانخوار وامریکای جنایتکار است و باین دلیل طرفدار دوستی جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی هستیم که‌این کشور، کشورزحمتکشان ازبند رسته و پرتوان‌ترین‌نیروئی است که در پیکار درازمدت با امپریالیسم، بسرکردگی‌امریکا، میتواند درتمام زمینه‌ها به‌کشور ما، برمبنای برابری کامل حقوق یاری رساند.

کشور بزرگ همسایه شمالی ما، هم بدلیل سرشت نظام اجتماعی ـ اقتصادی‌سوسیالیستی خود، هم بدلیل سیاست اصولی خودکه‌از این نظام منشاء گرفته و علما تدوین شده، در جهت حمایت‌ازانقلابهای‌ضدامپریالیستی و خلقی‌عمل‌میکند،دوست راستین و حامی پرتوان انقلاب وجمهوری اسلامی ایران در عرصه مبارزه دوران‌ساز علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و برای استقلال واقعی است.

بنابراین زنهار از **«خط برژینسکی»** که میخواهد ایران را از حمایت اتحاد شوروی‌محروم کند، تا **«رژیم خمینی»** تضعیف شود و آسیب‌پذیر گردد.

توده‌ایها در سنگر...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب باثبات رسیده است، بسیاری از وجدانهای شریف‌خود را سرزنش میکنند که، چرا از اول متوجه حقیقت نشده‌اند و چرا باین امر دقت نکرده‌اند که کلیه تصورات قبلی آنهادرباره حزب توده‌ایران مبتنی‌برتبلیغاتی بوده، که یك‌ربع‌قرن ساواك و دیگر مصادر رژیم ملعون‌پهلوی منتشر ساخته‌اند. اکنون‌بسیاری از وجدانهای شریف و بیدار، که روزی و روزگاری در گرداب تبلیغات ضدبرده‌ای گرفتاربودند، از خود سئوال میکنند که: اگر حزب توده ایران بدانگونه‌است که سالهای سال تبلیغ میکردند و ما تصور میکردیم، پس چرادر عمل برخلاف‌تصور ما از آب‌درـ آمد؟ اگر حزب توده ایران «دشمن استقلال ایران» بوده و به همین «دلیل» به حکومت ملی مصدق «خیانت کرده»، پس چرا امروز به جمهوری اسلامی‌ایران، که پرچمدار استقلال ایرانست، «خیانت» نمی کند؟ چطور شده که اکثر «یاران» سابق مصدق‌به‌نظام جمهوری اسلامی ایران پشت کردند و برخیها حتی‌بورطهٔ‌خیانت ضدانقلابی درغلطیدند، ولی‌حزب توده ایران‌مدافع وپشتیبان‌صدیق جمهوری اسلامی است؟ پس آن حزب توده‌ای که میگفتند «دشمن دین» و «مخالف اسلام» است، کجاست؟ چرا توده‌ایها با عزمی راسخ و گاهی قاطع‌تروعاقلانه‌تر از بسیاری از «مسلمانان» در پاسداری جمهوری اسلامی ایران ایستاده‌اند و با چشم بیدار و با چنگ و دندان از این جمهوری و از خط ضدامپریالیستی‌و خلقی امام خمینی پشتیبانی میکنند؟ چرا حزب توده ایران در رفراندوم جمهوری اسلامی وکلیه‌همه‌پرسی های دیگر فقط «آری» گفت و دیگران را هم به «آری»گفتن دعوت کرد و چرا بدون‌هیچ‌توقع وچشمداشتی درانتخابات‌گوناگون شرکت کرد و افراد مسلمان و مومن و مبارز را درسیاههٔ نامزدـ های انتخاباتی خود قرار داد؟ چرا حزب تودهٔ‌ایران مثل برخیها، بروز نارسائی و اشتباهات و بیعدالتی‌ها را بهانه قرار نداد و علیه جمهوری اسلامی سنگر نگرفت وبرعکس، درکنارپرادران و خواهران مسلمان خودونهادهای انقلابی جمهوری‌اسلامی درسنگر دفاع از این‌جمهوری‌قرارگرفت؟! چرا حزب توده ایران حتی بعد از اشغال‌خانه‌اش، از راه خود منحرف نگشت و همان‌طریق‌خود را در دفاع از انقلاب‌و جمهوری اسلامی ایران قاطع‌تر وراسخ‌تر ادامه داد و در دام تحریکها نیفتاد؟

این «چراها» و هزار و یك «چرا»ی از این قبیل در جامعه هشیار و بیدار، مطرح بوده و هست، و هر پاسخی که وجدان پاك و خرد نورانی افراد باین «چراها» میدهد، چون پتکی بر هیولای دروغینی که سیاوساواك از حزب توده ایران و توده‌ایها ساخته بودند، فرودمی‌آید وافترا را باطل میسازد.

اندیشه و عمل حزب توده ایران ـ آنچه در واقع موجود است‌ـ در مقایسه با افتراها و تحریفها و دروغهای شاخدار ساواك و سیا و ضدانقلابیون‌و منحرفین و تصورات بکلی غلطی که طی دهها سال ایجاد شده و تحجریافته بود،اگر برای‌برخی‌ها تعجب‌انگیز باشد، ولی برای کسانی که بطور مداوم اندیشه و عمل حزب توده ایران را تعقیب میکنند، امری طبیعی، و حالت روشن و منطقی است.

منشاء و راهنمای اندیشه‌وعمل حزب تودهٔ ایران قبل‌از هرچیز جهان‌بینی علمی آنست. عامل تعیین کننده دوم در اندیشه وعمل حزب توده ایران‌تجارب‌انقلابهای جهان و بویژه تجارب انقلابی کشور خود ماست. حزب توده ایران یك سازمان سیاسی خام و تازه بدوران رسیده نیست، بلکه کوهی از تجارب تلخ و شیرین در بایگانی خود دارد و هرگز در دام بی‌بندوباری‌سیاسی نمی‌افتد. توده‌ایها و اسلاف قهرمان آنها شصت‌سال است‌که از میدانهای خونین‌مصاف درراه استقلال و آزادی و ترقی‌ایران و سعادت مردم محروم‌میگذرندو تلخی شکست‌های گذشته را هرگز فراموش نمی‌کنند. ماکه قدر هر دستاورد انقلابی را، ولو بسیار کوچك هم باشد، میدانیم و از آن مواظبت میکنیم، درقبال انقلاب عظیم ایران، که بایدآنرا بزرگترین رویداد تاریخ ایران از آغاز تا به امروز دانست، تکلیف و وظیفه‌مان بکلی روشن است، یعنی اندیشه و عمل حزب توده ایران نه از ترس و حسابگری و نه از توقع و چشم‌داشت برای خود، بلکه از درك علمی و فراموش نکردن تاریخ و احساس مسئولیت درقبال تاریخ و خلق و سرنوشت‌میهن سرچشمه میگیرد. کسانی اگر احیانا خیال کنند‌که مواضع‌حزب تودهٔ ایران در دفاع از جمهوری اسلامی ایران «تاکتیك» و «پولتیك» است، اگر مغرض و محرك نباشند، سخت‌دراشتباهند.

پیروزی انقلاب بزرگ‌ایران، که‌باتمام‌ویژگیهایش، ازفرهنگ وسنن و علائق روحی و معنوی مردم ایران برجوشیده است، به آسانی وارزانی‌بدست نیامده. این انقلاب منتجهٔ خونهائی است که سالیان دراز در نبرد علیه امپریالیسم و دست‌نشاندگانش بر زمین ریخته شده و خون توده‌ایها و اسلاف قهرمان آنها شاخهٔ بزرگی از این شط خون را بوجود آورده است.

ما قدر این انقلاب گرانقدررا بدرستی میدانیم و در پاسداری از آن تا پای جان ایستاده‌ایم و براساس یك چنین موضع پر از صفا و پاکی اطمینان داریم که بالاخره آخرین توهمات ضد ـ توده‌ای، که به تلقین امپریالیسم و رژیم دست نشانده‌اش ایجاد شده، ازبین خواهد رفت.

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است

توطئه جدید...

بقیه از صفحه ۱

کشتی‌ها را از تنگه حیاتی هرمز، مورد بررسی قرار دهند» وبرای پیشبرد این منظور **«ناوگانی با شرکت کشورهای صنعتی»**تشکیل شود.

این نخستین‌باری نیست که امپریالیسم‌آمریکا «منافع‌حیاتی!» خود و یاران چپاولگرش را در منطقه خلیج فارس پیش میکشد. اعلام این منطقه بعنوان **«حریم منافع ایالات متحده آمریکا»** مضمون اساسی‌باصطلاح **دکترین کارتر** است، که در ۳ بهمن‌سال گذشته رسما اعلام شد. بموجب این **«دکترین»**،امپریالیسم‌آمریکا بخود اجازه‌میدهد که، برای‌تامین منافع‌چپاولگرانه خود،بزرگترین ماشین نظامی خودش ر ادرخلیج فارس، یعنی هزاران کیلومتر دور از مرزهای آمریکا، متمرکز سازد.

بنوشتهٔ«نیویورك‌تایمز»، وزارت دفاع آمریکا **«در حال حاضر منطقه خلیج فارس را بعنوان مهم‌ترین صحنه عملیات جنگی تلقی میکند»**.

این‌سخن بهیچ‌روی برای ما تازگی ندارد. انگیزه تشکیل باصطلاح «سپاه واکنش سریع»، مرکب از حداقل ۱۱۰هزار نفر، را باید بویژه در کوشش برای پیشبرد هدف‌های تجاوزکارانه «دکترین کارتر» در خلیج فارس و اقیانوس هند جستجو کرد. اکنون بیش‌از سی ناو جنگی آمریکا، از جمله ناوهای ویژه پیاده‌کردن نیرو، حامل ۱۸۰۰ تفنگدار، در خلیج فارس مستقر شده‌است. گزارش‌های گوناگون حاکی است‌که پنتاگون، همچنین به‌تنظیم طرح استفاده عملیاتی از ٤ لشکر ارتش آمریکا و چند لشکر تفنگدارآمریکائی، بعنوان نیروهای امدادی پرداخته است. این طرح بهره‌برداری از ۱۵ فرودگاه بندری، عمان،سومالی، مصر و جیبوتی را هم دربر میگیرد. فزون براین، آمریکا برای‌این‌منظور۷نفتکش مخصوص کرایه کرده است، که در نزدیکی‌پایگاه دیگو گارسیا، در اقیانوس هند،استقرار یافته‌اند. بموجب گزارشی دیگر، پنتاگون ستاد فرماندهی ویژه‌ای برای تنظیم و اجرای نقشه‌های نظامی در خلیج فارس برپا کرده‌است.

دعوت کارتر ازمتحدانش‌برای شرکت در دسیسه‌های‌نظامی‌خلیج فارس چنان‌خودرسواگر وماجراـ جویانه بود که، هم‌اکنون برخی از اینان کم و بیش عدم تمایل خود را به پذیرش آن اعلام کرده‌اند.

اما، چنانکه ادموند ماسکی، وزیر خارجه آمریکا، باردیگر تاکید کرد، آمریکا **«در صورت بستن تنگه هرمز... مسئله‌اعزام نیروها»** را همچنان **«ممکن»** می‌ـ شمرد.

گرچه‌آن‌دوران، که‌امپریالیستها میتوانستند در اقصی‌نقاط جهان هدفهای غارتگرانه وتجاوزکارانه خودرا کم و بیش بدون مقاومت کارآ به جهانیان تحمیل کنند، سپری شده است ونیروهای‌ضدـ امپریالیستی هرچه بیشترتوانایی مقابله موثر با این تکتازی‌هارا یافته‌اند، بایددرقبال ماجراجویی‌ـ های دیوانه‌وارامپریالیسم‌آمریکا کاملا هشیار بود. تنگه هرمز، بگزارش منابع‌غربی، تا این‌لحظه بازاست و هیچگونه مانعی‌برای کشتیرانی بین‌المللی‌وجود ندارد، اما، چنانکه رویداد «سیا»ساخته «تولکن» بعنوان بهانه بمبارانهای وحشیانه «جمهوری دمکراتیك ویتنام» نشان داد، امپریالیسم آمریکا، برای پیشبرد مقاصد جنایتکارانه خود از هیچگونه صحنه‌سازی ابا نمی‌ورزد.

لیکن، خلق بپاخاسته وانقلابی ایران، که هم‌اکنون خود را در جنگ با آمریکامی‌بیند، ازاین‌ـ گونه‌توطئه‌ها نیز هراسی بدل راه نمیدهد و عزم آن را دارد که در هر جبهه به امپریالیسم آمریکا درس شکست بدهد.

درود پرشور...

بقیه از صفحه ۱

تقویت روحیه، دلاوری و از جان گذشتگی نیروهای مسلح‌رزمنده در جبهه جنگ است که، ارتش متجاوز بعثی عراق‌ازآن‌برخوردار نیست و، نمیتواندبرخوردارگردد.

سیل عظیم جوانانی که دراین روزها داوطلبانه برای نام‌نویسی و عزیمت به جبههٔ جنگ، به مراکز سربازگیری و بسیج و سپاه پاسداران مراجعه‌میکنند، بنحوی بارز بیانگر این واقعیت است که خلق ما یکپارچه آماده جنگ است و این خود باعث اطمینان خاطر نیروهای مسلح‌ما در جبهه، تقویت رزمندگی آنها واعتماد آنهابه‌پیروزی بر دشمن متجاوز است.

ما در عمل شاهد خصوصیات جنگی خلقی، آزادیبخش،عادلانه دربرابرجنگی‌ضدخلقی، اسارتگر، ظالمانه هستیم و این‌خصوصیات درروحیه‌عالی‌پاسداران، سربازان، درجه‌داران، افسران، خلبانان و همه فرزندان مسلح خلق ایران، در دلاوری و جانبازی بیدریغ آنها منعکس است.

رژیم جنایتکار بعثی‌عراق‌تصور میکرد که ارتش جمهوری اسلامی، ایران آن‌انسجام وآمادگی‌کافی را ندارد که بتواند دربرابرتجاوز ناگهانی ایستادگی کند. صدام حسین‌ها، برژینسکی‌ها، کارترها، و ازاین قماش دشمنان خلقها هرگز نتوانسته‌اند، نمی‌توانند و نخواهند توانست، توانائی خلقی را که برای استقلال وآزادی‌خود بپاخاسته، محاسبه کنند وبهمین جهت نتوانستند واکنشی را که تجاوز جنایتکارانه در روحیه و عمل ارتش جمهوری‌اسلامی‌ایران ایجادخواهد کرد، پیش‌بینی کنند.

اینك شور انقلابی، همراه با نفرت نسبت به تجاوز درسراسر جبهه جنگ، در جسم و جان فرد فرد نیروهای زمینی، هوائی و دریائی ارتش جمهوری اسلامی ایران فروزان است. افراد سپاه پاسداران از شعله‌کین مقدس نسبت به متجاوز جنایتکار می‌ـ سوزند. خلق انقلابی قهرمان ما یکپارچه آماده جنگ است وبا تمام هست ونیست خودبه‌پشتیبانی از فرزندان‌عزیز خود، که درجبهه می‌جنگند، برخاسته است.

بگذارامپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا، یکبار دیگر بدست رژیم‌صدام ـ حسین جانی، آزموده‌های گذشتهٔ خود را در ایران هم بیازماید. اگر این گانگسترهای‌بین‌المللی توانستند در ویتنام، در کوبا، در الجزایر، در آنگولا، در یمن دموکراتیك، در سوریه، درلیبی در اتیوپی، درموزامبیك، در زیمبابوه و درهمه‌دیگرکشورهائی که خلق‌ها برای آزادی و شرف و شایستگی خود قیام کرده‌اند، یوغ اسارت خودرا تحمیل کنند، در ایران هم خواهند توانست.

خلق بپاخاستهٔ ما در شرایط کنونی جهانی، شکست‌ناپذیر و پیروز است. خلق انقلابی‌قهرمان ما به رهبری خردمندانه وقاطعانه **امام خمینی**، به پیروزی‌عبرت ـ انگیزی برآمریکای غدار و سلطه‌گر و دست‌نشاندگان بی‌ـ مقدار آن دست خواهد یافت.

نیروهای مسلح ماارتش تجاوزکار بعثی عراق رادرهم‌خواهدشکست.

درود برسپاهیان جانباز سپاه پاسداران و همه نیروهای‌مسلحی که جان‌برکف دربرابر دشمن متجاوز درجبهه‌جنگ، فداکارانه از انقلاب، از تمامیت ارضی کشور، از جمهوری‌اسلامی‌ایران دفاع میکنند!

درود بر سربازان و درجه داران و افسران دلیر نیروهای مسلح زمینی، هوائی و دریائی جمهوری اسلامی ایران!

ما در این جنگی که ازجانب آمریکا بما تحمیل شده، پیروز خواهیم شد!

www.iran-archive.com

خودپنهانگری

آقای مهندس بازرگان، زیرعنوان "نهضت ضدایران"، مقاله‌ای از روزنامه "کیهان" (مورخ ۱۳۵۹/۶/۲۳) منتشرکرده اند، بصورت حمله به آنچه نباید بشود، بدون طرح وبیان مشخص آنچه باید بشود، و این بار بدین وسیله، باز از "برنامه دولت موقت"، دفاع کرده‌اند.

درمقاله طبعا نامی از امپریالیسم آمریکا برده نشده است.

درمقاله ابتدا این دعوی مطرح شده که، ازتقریبا ده ماه پیش باین طرف (یعنی ازبعد ازسقوط دولت موقت واشغال لانهٔ جاسوسی آمریکا) با "افشاگریها"ی دانشجویان مسلمان پیروخط امام، مرحله‌ای آغاز شده و تاکنون ادامه‌دارد، که نام آنرا آقای بازرگان، مرحله "نهضت ضدایران" و یا "خودویرانگری" گذارده‌اند.

بنوشتهٔ آقای بازرگان، "تیرکمونیستها، که بیش ازهرگروه‌دیگر اشغال کنندگان لانهٔ جاسوسی را تشویق به ادامهٔ افشاگری می‌نمودند، بهدف اثابت کرده، مردم را نسبت به پایه‌گذاران وخدمتگزاران بدبین ساختند و باپاشیدن تخم دشمنی درجامعه، دستجات و نیروهای انقلاب را به خودویرانگری واداشتند."

پس تا اینجا، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و "کمونیستها"، که آنها را تشویق به ادامهٔ افشاگری کردند، باعث "خودویرانگری" هستند، واگرافشاء امیر انتظامها، مقدم‌مراغه‌ایها، علوی‌ها و مانند آنها صورت نمی‌گرفت ونیز "پایه گذاران وخدمتگزارانی"، که درمیان "دسته‌گل" نامهٔ شکوائیه از "اعلیحضرت" به آمریکائی‌ها تقدیم میداشتندوطرفدار "مشروطه باشاه مشروطه‌خواه" و یا در بهترین حالت طرفدار "مشروطیت بی شاه" بودند، بمردم چنانکه هستند، معرفی نمی‌شدند، آنگاه "خودویرانگری" و "نهضت ضدایران" پیش نمی‌آمد ودرسایهٔ "خط گام‌بگام" و تحت‌لوای "برنامهٔ دولت موقت"، دوران شکوهمند آبادسازی "نهضت آزادی ایران" بکمک برژینسکی وباسیاست "چون وابسته‌بوده‌ایم بایدوابسته‌بمانیم" ادامه می‌یافت.

مقاله نشان میدهدکه‌نه تنهامانند همیشه "چپی‌ها" در فکر آقای بازرگان "قاطی" باقی مانده‌اند، بلکه‌همهٔ نیروهاواحزاب ونهادهای زائیده ازانقلاب با "چپی‌ها" "قاطی" شده‌اند وهمه درجبههٔ "خودویرانگری" و "نهضت ضدایران" قرارگرفته‌اند!

بنوشتهٔ آقای بازرگان، "کلنگ اول خودویرانگری ونهضت ضدایران" بدست "فدائیان خلق وچپی‌ها ودر روزنامهٔ آیندگان، پیکار ومردم وغیره‌کوبیده شد و سپس با "لعاب اسلامی تحت لوای ضداستثمارعلیه فئودالیسم وسرمایه‌داری درتداوم انقلاب وشعار شورا بوسیله کمیته‌های خودرو وشوراهای محلی‌خصوصی وبا تاسیس انجمن‌های خلقی وسپس اسلامی"، این "خودویرانگری و نهضت ضد ایران" گسترش یافت. اینان ـ بادعای آقای بازرگان ـ به "موسسات اقتصادی و تولیدی کشور دربخشهای خصوصی ودولتی کشاورزی وصنعتی" حمله کردند و "در کارخانه‌ها نیزدستورالعمل این بود" که همه‌را، ازکارفرما وسهام دار ومدیر و مهندس و مقام مالی واداری و فنی بیرون بریزند، که "حتما کاربایدبدست منتخبین خودشان بیفتد، که بسیاری از آنها سابقهٔ ساواکی و چپی داشتند و شوراهای تصنعی که هیئت‌های انحرافی، احزاب چپ وحزب وارث اسلامی جمهوری‌آنها را رهبری می‌کردند."

چنانکه می‌بینید، کمیته‌ها، شوراها و انجمن‌های خلقی واسلامی، ساواکی وچپی، احزاب چپ و حزب جمهوری اسلامی، همه باهم درمغز "رهبرنهضت آزادی" وپرچمدار "خط گام‌بگام" بکلی "قاطی" شده‌و همه در جبههٔ "نهضت ضدایران" و "خودویرانگری" قرار گرفته‌اند!

از عملیات این "خودویرانگری"، یکی هم ویرانگری دستگاه اداری است. آقای بازرگان "پاکسازی" دستگاه اداری رادر همان حدودی قابل قبول میداند که در دوران "دولت موقت" انجام گرفته‌است، واز برخی نارسائیها این نتیجه‌را میگیرد که، پاکسازی "ویرانگری" است و می‌نویسد:

"ویرانگری دستگاه عظیم دولت، که میلیاردها سرمایهٔ مملکت صرف آن‌شده باوجود زیادی بی‌تناسب کارمندان و مقررات و احتیاج مبرم به‌تقلیل وتجدید نظر، بخواهید ونخواهید یگانه وسیله حیات و حرکت کشور می‌باشد."

آقای بازرگان نمی‌خواهد ونمیتواند توجه کند که، هرانقلابی دستگاه اداری و نظامی خودرا میخواهدو ابزار کار حکومت طاغوت، نمیتواند ابزار کار حکومت جمهوری اسلامی ایران باشد.

در اواخرمقاله، تمام کوشش "خودپنهانگری" نویسنده برباد میرود، معلوم میشود که "خودویرانگری"، یعنی‌مخالفت با مشی سیاسی و برنامهٔ دولت موقت، در دوران دولت موقت آغازشده ونه بعد از اشغال لانهٔ جاسوسی وسقوط دولت موقت.

در مقاله میخوانیم‌که:

"برنامهٔ خودویرانگری تهاجم و تضعیف‌هائی است‌که ازماههای دوم وسوم بعد ازپیروزی انقلاب نسبت به دولت (موقت) و دولتیان، علاوه‌برافشاگری که قبلا گفتیم، بعمل می‌آمد. چه ازطریق توسعه وتسلط مراکز تصمیم‌گیری، که‌از ابتدا یک امرضروری وقابل تقدیر بود (ولی آقای بازرگان با آنها مخالفت کردند) و چه‌تبلیغات سوء (یعنی‌انتقاد از دولت موقت) و تخفیفی که نسبت به دولت موقت صورت می‌گرفت."

پس‌اگر نهادهای انقلابی، و یا به اصطلاح آقای بازرگان، "مراکزتصمیم‌گیری" (که درابتدا یک امرضروری وقابل‌تقدیر بودند) با استقرار دولت موقت برچیده می‌شدند وانتقادی هم ازدولت موقت به‌عمل نمی‌آمد ودولت موقت میتوانست همه نظریات خودرا درحفظ سرمایه‌داری بزرگ وابسته وزمینداری بزرگ، در حفظ دستگاه‌دولتی وارتش طاغوتی و نجات ساواکیها و طاغوتیان ازپیگرد، در پیشبرد سیاست سازش با امپریالیسم آمریکا و بازگرداندن چپاولگران خون‌خوار بانکی از "پنجره" اعمال‌کنند، در اینصورت "خودویرانگری" آغاز نمی‌شد، بورژوازی لیبرال به رهبری آقای بازرگان و یاران وهمکارانش انقلاب را ترمز میکردند، مسیرضدامپریالیستی و خلقی راتغییر میدادند، و "مشروطیت بی‌شاه" و "رژیم گذشته منهای شاه" را (و کسی چه میداند، شایدباشاه "مسلمان" و "مشروطه‌خواهی"!) مجددا برگرده مردم سوار می‌کردند.

آقای بازرگان هنوز هم بانهادهای انقلابی مخالف است و می‌نویسد:

"مراکز تصمیم‌گیری مختلف ونهادهای انقلاب می‌بایستی بتدریج که دولت جان میگیرد. آنچه موقت وغیرضروری است منحل یا تصرف گردد وآنچه‌ضروری‌است‌سپاه‌انقلاب، کمیته‌ها، دادگاه‌ها، جهاد سازندگی ـ ادغام در واحدهای دولتی شوند."

و نیز مینویسد: "نهادهای انقلاب درمجموع، یک دولت انقلابی‌رقیب یا معارض ومدعی دولت قانونی تشکیل داده‌اند"، که این دولت انقلابی "غیرقانونی" باید منحل شود!

با انحلال این دولت انقلاب "غیرقانونی"، قاعدتا کارجبههٔ "خودویرانگری" دیگر ساخته میشود و "نهضت ضدایران" جای خودرا به "نهضت آزادی ایران" می‌سپارد! باقی می‌ماند سازندگی!

می‌نویسد:

"مطلب دیگر بعنوان آخرین ماده (ملاحظه می‌کنید که کاردارد تمام‌میشود!) که ازجهت منفی خودویرانگری محسوب میشود، عدم توجه لازم به سازندگی‌است وکار، یعنی به‌ثمررساندن واقعی‌انقلاب می‌باشد."

چه نوع سازندگی وکدام کار؟ آن سازندگی وکاری که "درصدربرنامهٔ دولت موقت قرار داشت"!

مقاله که‌تمام‌میشودو امضاء میشود، نویسنده‌ناگهان متوجه‌میشود که "خودپنهانگری" رافدای دفاع از "برنامهٔ دولت موقت" نموده وناخواسته "خودافشاگری" کرده است.

درمدد جبران برمیآیدو "خودپنهانگرانه" می‌نویسد:

"مخالفت با افشاگری وخود ویرانگری و یاطرد وتصفیه‌بهیچوجه‌بمعنای انکار خیانت وخطا و وجودضدانقلاب نیست. بحث روی کیفیت برخورد است. آیا بایدبه‌مجرد احساس مختصراختلاف واعتراف چماق تکفیررا برداشت وبسرهربیگناه و آشنا کوبید؟ .. (وهمه‌را "قاطی"کرد؟!) و انگیزیسیون بازی کشیشهای قرون وسطی را راه‌انداخت وبا ناراضی‌تراشی نیمه‌راهیان رابه‌اردوی مخالفین هل داد؟ برای دلسوزی مستضعفین، آیا باید مستکبرین جدیدی بوجودآوریم ومستضعفین تازه‌ای بسازیم؟ .....

نه، آقای بازرگان! هیچیک ازاین کارهارانبایدکرد، ونیز ازمستکبرین سابق نباید دفاع کردوآنهارا حفظ کرد ومستضعفین سابق رانیزنبایددراستضعاف باقی گذاشت. تمام مطلب برسرنوسازی اقتصادی ـ اجتماعی کشور بسودمستضعفان است، که‌ضمن مبارزه‌آشتی‌ناپذیر با امپریالیسم سلطه‌جو وغارتگر وضمن تامین استقلال تام وتمام کشور درهمهٔ زمینه‌ها امکان پذیر است.

گس‌هال دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحدهٔ آمریکا:

تبعیض نژادی در آمریکا گسترش می‌یابد

دههٔ هشتاد برای خلقهای افریقائی‌الاصل آمریکائی، پورتوریکوئی، چیکانو، سرخ‌پوست بومی آمریکا وآسیائی حوزه اقیانوس‌آرام، یعنی برای ۵۰ میلیون آمریکائی، که ازستم‌نژادی و ملی رنج‌میبرند به‌گونه‌ای بدتراز تنها "تشدید شرایط قبلی" آغاز میشود.

دهه‌های پنجاه و شصت دوران امید و وعده بودند. دراین دوران سیاهان و سایرخلقهای تحت ستم نژادی و ملی دستاوردهای مهمی کسب کردند. آنهاحق رای، حق انتخاب شدن به اداره امورعمومی وشهری و حق شرکت در مدارس مختلط نژادی رابه دست آوردند. دربسیاری نقاط محدودیت‌نژادهای غیرسفید دراستفاده از وسایل حمل و نقل، رستورانها و سایرتسهیلات عمومی حذف شد.

لیکن با سالهای هفتاد، دهه‌نومیدی‌ومحرومیت آغازشد. بسیاری از حقوقی که طی‌مبارزات بدست آمده بود، درعمل تضعیف شد وگاهی تماما ابطال گردید. تقسیمات مجدد و مزورانه‌درنواحی‌رای‌گیری به‌مورد اجرا گذاشته شد، تا از این طریق تاثیررای خلقهای تحت ستم ملی تنزل یابد. تاسیس‌مدارس خصوصی و اعمال و ابزاردیگری از این‌قبیل مانع اجرای اصل رفع محدودیت نژادهای غیرسفیددر مدارس شد. دربسیاری از قسمتهای شمالی جدا کردن نژادهای غیرسفید عملا افزایش یافت. صلیب سوزان و سایراشکال تهدید و اجبار درمناطقی که قبلا تماما سفیدپوست نشین بوده و اینک سیاهان بدان نقل مکان کرده بودند، افزایش یافت.

باوجود بزرگترین شکست هادرزمینه‌های‌کلیدی اقتصاد، شکست درعرصهٔ‌حل مسکلات اشتغال، ترفیع وارتقاء، مسکن، مراقبتهای بهداشتی و امثال آن، بصورت سدی وحشتناک درراه پیشرفت‌اجتماعی درآمده است.

سیاستهای رسمی تبعیض نژادی

وضع اشتغال رادرنظرمیگیریم. درسال‌گذشته میانگین نرخ بیکاری برای سفیدها درحد ۵/۱٪بوده درحالیکه برای گروهی که تحت عنوان "سیاه وغیره" مشخص شده‌اند، میانگین ۱۱/۳٪ را نشان میدهد. و تازه، این‌ارقام‌بیانگر واقعیت موجودنیست، زیرا آندسته از کارگرانی را که با ازدست دادن هرگونه امید، دیگر برای یافتن کار "جستجوی فعال" نمیکنند شامل نمیشود. نرخ واقعی بیکاری درمیان خلقهای تحت ستم ـ وخصوصا خلق سیاه ـ به رقم ۲۰٪نزدیک تراست. این رقم برای نوجوانان سیاه برخی‌مناطق به مرزفاجعه‌آمیز ۷۰ـ ۵۰٪ میرسد. سالهاست که برای خلقهای تحت ستم، بیکاری درسطح رکود شدید سالهای دهه ۳۰ باقی مانده است.

علاوه برمسئله رفع محدودیت‌نژادهای غیر سفید، دادگاهها دردهه هفتاد برای دادن امر شهادت نیز موانع قانونی ایجاد کردند.

سیاستهای اقتصادی‌کارتر درزمینهٔ قایل شدن "اهمیت درجه‌اول برای سودهای‌انحصارات"، که برای دهه هشتاد دارای لبه‌تیزنژادپرستانه‌است. این سیاستها البته همه ما را به تنزل‌معیارهای معیشت‌و کیفیت زندگی فرا می‌خوانند، اما فشارویژهٔ این سیاست متوجه خلقهای تحت ستمی است که هم‌اکنون هم در نهایت تنگدستی به‌سر می‌برند. از این‌روفشارهای اقتصادی وحشتناکی که هم‌اکنون این مردم، در اثر آن کمرخم کرده‌اند، سنگینترخواهد شد. اینها چیزی نیستند به‌جزسیاست‌های‌رسمی تبعیض نژادی.

در این اوضاع و احوال، آنچه که بیش‌از هر زمان دیگر، برای‌واردکردن ضربه موءثر برسیاست‌های استثمار بیش از حدو ستم‌وارده بر امریکائیهای افریقایی‌الاصل و سایر خلق‌های تحت ستم لازم‌است، به‌دست‌آوردن درک روشن از مسئله است. به‌همین جهت ضرور است که موارد زیر روشن شود:

علل واقعی تبعیض نژادی، چه‌کسانی از آن‌سود می‌برند وچه‌کسانی لطمه‌می‌بینند؟ چه‌کسانی دشمن محسوب‌می‌شوند وچه‌کسانی متحدین خلق‌های ستمدیده‌هستند یا می‌توانند باشند؟

این مسئله به‌چنان استراتژی نیازمند است‌که بتواند نه‌تنها درزمینه‌حقوق‌وآزادی‌های دموکراتیک، بلکه درزمینه اشتغال، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی وسایر زمینه‌های اقتصادی پیشرفت در پی داشته باشد.

علل اساسی تبعیض نژادی چیست؟ از نقطه نظر تاریخی، تبعیض نژادی در این کشور (ایالات متحده) از برده‌داری منشاء گرفته است. تنها از طریق ایدئولوژی نژادپرستانه، هیجان کور وتعصب بودکه برده‌داران می‌توانستند برای توجیه‌یک‌چنین نهاد ددمنشانه و غیرانسانی تلاش کنند وآنرامنطقی جلوه دهند. امروزه می‌توان علت اساسی تبعیض نژادی را، سرمایه‌های انحصاری دانست. بنگاه‌های غول‌آسائی که مسلط بر اقتصاد، دولت، وسایل ارتباطات‌ونهادهای آموزشی کشور ما هستند. اساسا" باید گفت که تنها بنگاه‌های بزرگ هستند که‌ازتبعیض نژادی‌سود می‌برند، آن‌را حفظ می‌کنند، بدان‌دامن می‌زنند و از آن برای به‌دست آوردن سودهای افسانه‌ای‌به‌تبعیت از اصل "تفرقه‌بینداز و حکومت‌کن" استفاده می‌کنند.

بنگاه‌های بزرگ با پرداخت دستمزدهایی که به‌طور مصنوعی درسطح نازل نگاه‌داشته شده‌اند، به کارگران‌تحت‌ستم نژادی عملا" میلیاردها به‌جیب می‌زنند. آنها عامدا" روش‌های طبقه‌بندی مشاغل‌را به‌کارمی‌گیرند، تا از این طریق مشاغل بخصوصی‌را کم‌ارزش‌تر از بقیه‌قلمداد کنند. و این عمل نه‌بخاطر آن‌است که این مشاغل مهارت کمتری‌لازم دارند، بلکه به‌این علت است که چنین مشاغلی به‌طورعمده به‌وسیله سیاهان، چیکانوها، پورتوریکویی‌ها وسایر گروه‌های تحت ستم اشغال شده‌است. کارگران‌سفید پوست‌باید درک کنند که پایین‌نگاه‌داشتن دستمزد کارگران تحت‌ستم نژادی وملی، دستمزد کارگران سفید را هم به‌همان ترتیب پایین نگاه می‌دارد.

تبعیض نژادی مانعی است برسر راه زندگی بهتر برای همه

صاحبان‌مستغلات، دلال‌های املاک وبانک‌ها از طریق دامن‌زدن عمدی به‌مسئله‌تبعیض‌نژادی، درآمدهایی به‌اندازه‌میلیاردهابه‌دست می‌آورند. آن‌ها با استفاده از مسئله تبعیض نژادی بازار مسکن را به‌صورت منطقه‌ای درمی‌آورند. آزادی‌مردم درانتخاب محل سکونت حدا" محدود است و در این زمینه سیاست "خط سرخ"* به‌شدت اعمال می‌شود نه فقط سیاهان مجبورندبرای‌مسکنی محقردرمحله‌های‌فقیراقلیت‌ها، قیمت‌های‌بی‌رحمانه‌زیادی‌بپردازند، بلکه به این وسیله‌اجاره‌بها برای سایر امریکایی‌هانیز بالا نگاه داشته‌می‌شود.

درموءسسات، از تبعیض‌نژادی به‌منظورتحریک گروهی از کارگران علیه گروه دیگر استفاده‌می‌شود و این وسیله‌ای است برای ایجاد تفرقه دربین‌اتحادیه های‌صنفی وجنبش کارگری و برای توقف‌جنبش‌عمومی طبقه‌کارگر، وسیله‌ای برای اعمال حاکمیت طبقاتی. تبعیض نژادی سلاح اصلی سرمایهٔ‌کلان تجارتی برای اداره‌سیاسی واقتصادی کشور است.

برای حل‌مشکلات مبرم کشورما، مطلقا" ضروری است که امریکایی‌های سفیدپوست منافع شخصی‌خود را درمبارزه‌باتبعیض نژادی، و این حقیقت که‌آنها خود نیزبازنده‌هستند، درک‌کنند. تبعیض نژادی‌مانعی است برسر راه زندگی بهتر برای‌همه و پیشرفت اجتماعی به‌طورعام.

اکثریت قاطع سفیدپوستان ـ آنهایی که وابسته به‌منافع انحصارات نیستند ـ از تبعیض نژادی سودی نمی‌برند. این امربخصوص در ایام بحران اقتصادی، چون دوران حاضر، روشن‌تر می‌شود. مردم در ایالات متحده از تورمی خارج از کنترل رنج می‌برند. بیکاری درسطحی بالاوروبه تزاید است. اکنون درآمد واقعی کارگران‌برای خرج کردن از پانزده‌سال پیش کمترشده‌است. تنها درسال‌گذشته، درآمد به‌میزان۷ درصدسقوط‌کرد. دولت منظما" اعلام می‌کند که‌سطح‌زندگی تمام کارگران باید تنزل یابد.

تبعیض‌نژادی باعث انحراف توجه ازمشکلات اصلی، از علل واقعی این مشکلات و در نتیجه‌از راه‌حل‌های ضروری‌آن‌است. تبعیض نژادی باعث تفرقه‌بین مردم می‌شود، تا ایشان از مقابلهٔ موءثر عاجز بمانند.

همبستگی طبقاتی

این بدین معنی نیست که یک کارگرسفید پوست نخواهد توانست درنتیجه‌تبعیض، علیه فردی که تحت ستم نژادی است، امتیازات‌بخصوص و بلافاصله‌ای به‌دست آورد. لیکن در اکثرموارد چنین امتیازی به‌قیمت قربانی‌کردن منافع بزرگتر و اساسی‌تری به‌دست می‌آید.

به‌عنوان‌نمونه، ممکن است برخی کارگران سفیدپوست بخش ساختمان، درنتیجه اعمال تبعیض علیه‌کارگران تحت ستم‌نژادی، برخی امتیازات بلافاصله در اشتغال در این بخش‌بدست آورند. ولی تاثیر این مسئله چقدر است؟ بخصوص در شرایط‌کنونی که دولت عمدا" صنعت ساختمان را خفه می‌کند وبیکاری‌دربخش‌های ساختمانی به سرعت روبه‌افزایش است؟

منافع واقعی کارگران ساختمانی سفیدپوست در اعمال روش‌های تبعیض نیست، بلکه درمبارزه ای است با هدف اداره‌اقتصاد، به‌نحوی که کار به‌اندازهٔ کافی برای همه تامین‌گردد.

تبعیض نژادی، اتحادیه‌های صنفی‌ساختمانی را به‌نحوی‌موءثر تضعیف کرده و موجب شده است‌کارگران مجبور شوند، تقلیل دستمزدها را

بقیه درصفحه ۶

*"خط سرخ" عمل بانکها و شرکت‌های بیمه‌ایالات متحده است، که به منظوراعمال تبعیض علیه امریکایی‌های افریقایی‌الاصل، سایراقلیت‌هاو مردم به‌فقر کشیده‌شده به‌مورد اجرا گذاشته‌می‌شود، به این ترتیب که با مشخص کردن مناطق مسکونی آنها به‌وسیله خطی سرخ، عملا" یا از پرداخت وام و بیمه‌به‌آنها سرباز می‌زنند، ویاتامین‌وبیمهٔ آنهارا بی‌نهایت مشکل می‌کنند.

www.iran-archive.com

کارگران گچ کازرون: ما نمی‌توانیم میوه بخریم، می‌خواهد گران باشد یا ارزان

درکازرون حدود ۳۰کارخانهٔ گچ وجود دارد، که‌هرکدام ازاین کارخانه‌ها دارای ۴تا ۸ کوره هستندو روی هرکوره۷ تا ۹ نفرکارگر کارمیکنند.

طرز کاردرکارخانهٔ گچ سازی باین‌ترتیب‌است که، ابتداسنگ گچ راازمعدن (که‌قبلا بوسیلهٔ ۱۰تا۱۲ کارگر آماده شده‌است) به کارخانه حمل میکنند وچند نفر کارگر دیگرسنگ گچ رادرکوره‌می‌چینند و زیر آنرا آتش میکنند. پس ازاینکه سنگ گچ‌ها خوب پخته‌شد، آتش راخاموش میکنند، تاسنگ گچ‌های پخته شده هوا بخورند وسردشوند. پس ازسردشدن سنگ گچ ها، کارگران آنهارا دردستگاهی بنام چکش‌می‌ریزند. این دستگاه سنگ گچ‌های پخته‌شده راخرد میکند وبصورت گچ درمیآورد. همین گچ راکارخانه‌داران تنی ۱۲۰۰تا ۱۵۰۰ ریال می‌فروشند.

مزدکارگران درقبال ۹ساعت کار۷۰۰تا۹۰۰ ریال است. محیط کارکاملا غیربهداشتی است وگردو خاک حاصله از گچ وگرمای موجود، که برای‌پختن‌گچ‌ها لازم است، کارگران رابسیار ناراحت میکند.

گرانی روزافزون مواد غذایی، کارگران را با حقوق کمی که‌دارند، کلافه‌کرده است. یکی‌ازکارگران می‌گفت:

"مانمی‌توانیم میوه‌بخریم، می‌خواهد گران باشد یاارزان. گوشت‌هم هفته‌ای یک وعده میخریم، زیرا باحقوق روزی ۷۰۰ ریال وکرایه‌خانهٔ ماهی ۷۰۰۰ ریال نمی‌توانیم زیاد گوشت بخریم. موادغذایی هم که بسیار گران است."

یکی دیگر ازکارگران گفت:

اخبارکارگری

"روزی ۹۰۰ ریال مردمیگیرم. ماهی یک‌بار هم زن وفرزندانم رانمی‌بینم. الان مدت‌دوهفته‌است که ازآنهاخبری ندارم، چون خانواده‌ام دریکی از روستاهای کازرون زندگی میکنند."

این کارگرهم ازگرانی فزاینده مواد غذایی در عذاب بود. چند نفرازکارگران گفتند:

"ماوقتی مریض می‌شویم، نمی‌توانیم به پزشک مراجعه کنیم، چون اگریک روزکارمان راتعطیل کنیم، صاحب کارخانه کارگردیگری رابجای‌مامیآورد درنتیجه کارمان راازدست میدهیم."

آنها اضافه کردند که:

"گرد حاصل ازگچ که‌به‌دهان مانفوذ میکند، باعث مریض شدن مامیشود. چندبارتاکنون به صاحب کارخانه گفته‌ایم که‌مارابیمه‌کند، ولی اودرجواب ما گفته است که، هروقت کارخانه‌های دیگرکارگرانشان‌را بیمه‌کردند، ماهم شما رابیمه می‌کنیم."

یکی از کارگران گفت:

"ماکه بیمه نیستیم. گرانی ویزیت دکتر و گرانی دارو باعث میشوند که‌هروقت مریض شدیم، از خیر دکتر ودارو بگذریم."

کارگران کارخانهٔ گچ کازرون ازمقامات مسئول میخواهند که به‌خواستهای آنهاهرچه زودتر ترتیب اثر داده شود، که عبارتند از:

۱ـ پاکسازی هوای آلودهٔ موجوددرکارخانه،
۲ـ بیمه‌کردن همهٔ کارگران،
۳ـ افزایش دستمزد کارگران همگام باافزایش قیمت ها.

کارگران می‌پرسند: باچه‌مجوزی صدهاتن نخ‌وارد ایران می‌شود؟

ورود صدها تن نخ به کشور ما، که به کمک سیاست‌های استعمارگرانهٔ آمریکا از طریق‌کرهٔ جنوبی و دیگر کشورهای وابسته به امپریالیسم صورت‌میگیرد یکی از نمونه‌های بارز فعالیت های عناصر وابسته‌به امپریالیسم در کشورمان است.

کارگران بیدار و رزمندهٔ میهنمان، که‌بازوی پرتوان انقلاب رهایی بخش ماودندوامروزمصممانه در صف اول مبارزهٔ صدامپریالیستی قراردارند، از مسئولان امرقاطعانه می‌خواهند که درمورد ورودناموجه صدها تن نخ به کشور جواب قانع کننده ای بدهند.

در همین زمینه، شورای اسلامی کارگران صنعت نساجی، در نامهٔ اعتراض آمیزی به شماره ۲/۷۷۰ ـ ۵، مورخهٔ ۵۹/۴/۲، به‌شورای‌اسلامی کارکنان وزارت بازرگانی می‌نویسد:

"ما صمیمانه از شما می‌خواهیم تا با افشای نام این وارد کنندگان و مقدار نخ اجازه داده‌شده، از این توطئه عظیم پرده برداشته و به کارگران‌کمک کنید تا به منظور شکست این طرح نکبت بار کلیهٔ نخ های وارد شده را خود خریداری نموده، تا از ورشکستگی حتمی صنعت ریسندگی ایران جلوگیری نمائید."

شورای‌اسلامی‌کارگران‌صنعت نساجی‌درنامه‌ای دیگر وزیر بازرگانی را مخاطب قرارداده‌می‌نویسد:

"جناب آقای وزیر بازرگانی، وزارت‌بازرگانی بر طبق چه ضوابطی اقدام به صدوراجازه‌واردکردن صدها تن نخ نموده است؟"

و در جایی دیگر از همین نامه‌می‌نویسد:

"ما به کلیه مقامات مسئول هشدار می دهیم که آنچه در وزارت بازرگانی درجهت‌نابودی‌صنعت ریسندگی می‌گذرد، به‌زودی اثر وحشتناک خود را خواهد نمود و متعاقب آن بیکاری و ورشکستگی این صنعت را در برخواهد گرفت و ما کارگران، شما را مسئول این فاجعه می‌دانیم."

همچنین شورای اسلامی کارخانجات نساجی ایران در همین نامه خطاب به شورای اسلامی بانک مرکزی ایران می‌نویسد:

"جای بسی تاسف است که مقامات اطاق بازرگانی نه تنها از کارگران زحمتکش ایران حمایت نکرده‌اند، بلکه با هزار تزویر راه را برای این دلالان باز نموده‌اند و عنقریب با ورودصدها تن‌نخ به ایران، کلیهٔ زحمات کارگران ایران نقش برآب شده‌وکارخانه‌هاروبه‌ورشکستگی‌قطعی‌خواهندرفت."

در صورت مجلس مورخهٔ ۵۹/۴/۲۱ کمیتهٔ اجرایی گردهم‌آیی شورای کارگران صنایع نساجی، اقداماتی که این کمیته انجام داده و باید انجام‌دهد، منعکس شده است. همهٔ این اقدامات‌نشانگر هوشیاری و آگاهی طبقهٔ کارگر ایران در شرایط کنونی است.

مشکلات کارگران معادن شن و ماسه سراوان

کارگران معدن شن و ماسه شاه‌عباسی سراوان، همراه باکارسنگین وطاقت‌فرسا، مشکلات وکمبودهای فراوانی نیز دارند. این‌معدن در رژیم گذشته توسط تیمسار واحدی رئیس ساواک منطقه‌رشت اداره‌می‌شدوکارگران به‌شدیدترین وجه موردا ستثمار قرارمی‌گرفتند.

پس از انقلاب، استانداری گیلان با عملی شایسته، دست به‌تشکیل کمیته بهره‌برداری از معادن شن وماسه زد و از غارت معادن توسط سرمایه‌داران خصوصی جلوگیری کرد. معادن دیگراستان گیلان، ازجمله معدن"بازقلعه‌سنگر"نیز زیرنظر کمیته‌قرارگرفته.

شرایط کار وزندگی کارگران این معادن نامناسب ومشکل است. کارگران روزانه ۱۱ ساعت کارمی‌کنند، که ۳ساعت از آن به‌عنوان اضافه‌کاری انجام‌می‌شود. در حقیقت کارگران برای تهیه‌حداقل‌وسایل معیشت مجبورند ۳ساعت ازحدمعمول‌بیشتر کارکنند.

به‌علت کارسنگین، احتمال وقوع حوادث ناگوار ناشی ازکارهموارهٔ برای کارگران وجود دارد. اما با این حال کارگران بیمه‌نیستند واین درشرایطی است که‌ازکارگران حق بیمه‌دریافت می‌شود. تنها تنی‌چند ازکارگران قدیمی بازقلعه‌بیمه‌هستند، که‌آنها نیز به علت نپرداختن حق بیمه‌توسط کارفرما عملا"امکان استفاده ازبیمه‌را ندارند.

درمنطقهٔ معادن‌هیچ‌گونه وسیله درمانی وجود ندارد. کارگران، که‌اغلب به‌همراه‌خانواده‌های خوددرمنطقه‌معادن زندگی می‌کنند وشرایط سختی را می‌گذرانند، هنگام‌بیماری خودویا اعضای خانواده‌شان، مجبورندمبلغ سنگینی از دستمزد ناچیزشان را برای درمان به پزشکان شهری بدهند.

دستمزدکارگران باوجود کارطاقت فرسا ناچیز است و روزانه‌به ۷۰ تا ۸۰ تومان می‌رسد. همچنین کارگران ازسایر حقوق ومزایای کارگری، چون حق مسکن، حق خواربار و حق اولاد نیز، که باید طبق قانون کار، علاوه بردستمزدماهانه پرداخت شود، بی‌بهره‌اند.

علاوه‌براین مسائل وعلی‌رغم‌اقدام مثبت استانداری، پیمانکاران سهم قابل ملاحظه‌ای ازدرآمدمعدن رابه‌غارت می‌برند. به‌طورمثال پیمانکاران در معدن"بازقلعه‌سنگر"ماهانه مبلغ ۹۰۰ هزارریال بابت کرایه ۳کامیون، که‌در معدن مشغول به‌کارهستند، پول می‌گیرند. به‌گفتهٔ کارگران‌معدن، استانداری می‌تواند بااستفاده ازامکاناتی که دارد، ازغارت دسترنج کارگران زحمتکش توسط پیمانکاران جلوگیری کند وازآن برای تامین نیازها، بالابردن دستمزد وبهبودزندگی کارگران استفاده‌کند.

اهالی‌منطقهٔ معدن نیزانتظار دارند بابهره‌برداری ازثروت معدن، که درحقیقت ثروت مردم است، به‌آبادانی وبهبود زندگی آنها نیز توجهی بشود. به‌گفتهٔ یکی ازاهالی، این انتظار از سرمایه‌داران‌خصوصی معدن بی‌مورد بود، اما حالا، درشرایط بعدازانقلاب، انتظار به‌جایی است.

ازجمله‌نیازهای دیگرمردم‌منطقه، برای نمونه آسفالت جاده‌سنگر است، که باده‌ها هزارنفرجمعیت، یک امرضروری است.

قانون ملی‌شدن معادن نیز، که‌این روزها ازآن صحبت می‌شود، باعث امیدواری ودلگرمی کارگران شده است زیرا این عملی است که‌می‌تواند از غارت بی‌رویه معادن جلوگیری کند.

تصویب این قانون توسط مجلس شورای‌اسلامی گامی است درجهت رشدوتعمیق انقلاب، که‌می‌تواندراه‌حل مشکلات کارگران را نیز هموارکند.

ماهی‌فروشان بندرعباس در دریای فقر و محرومیت شناورند

آمنه (نفر اول سمت راست): من با اینکه خودم کار می‌کنم، شوهرم نیز باربری میکند، ولی حتی خرج خودمان را نیز نمیتوانیم تامین کنیم، چه‌رسدبه اینکه مقداری هم به دوا و دکتر اختصاص دهیم.

زندگی ماهی‌فروشان‌زحمتکش نمونه‌دیگری‌است "از حاصل حکومت چپاول و غارتگری خاندان پلید پهلوی و اربابان‌امپریالیستش به خصوص امپریالیسم جنایتکارآمریکاومشتی است نمونه‌خروار. زحمتکشانی که از کمترین حقوق انسانی، نظیربیمه، بازنشستگی مسکن مناسب، حق اولاد، حق‌خواربارو، ..وحتی از سایبانی برای محل فروش ماهی بی بهره‌اند. زندگی آنها سراسر پر از رنج و محرومیت‌است. امید آنها به دریاست و اگر روزی باران ببارد ـ که عموما فصل زمستان همینطور است ـ آنها با فقر وبی‌کاری باید دست و پنجه نرم کنند.

بوی تعفن ماهی، نزدیکی محل‌های فروش ـ ماهی را به ما گوشزد کرد. در آن محل‌جمعیت‌موج می‌زد. به‌هر جا که پا گذاردیم، انبوهی ازمگس‌ها که به صورت پارچه‌سیاهی بود، در پرواز بودند. گرمای طاقت فرسا همه را کلافه کرده بود و عرق از سر و روی ماهی فروش ها و مردمی که به آنجا برای خرید ماهی آمده‌بودند، می‌چکید.

به یکی از ماهی‌فروش ها، که با کارد در حال پاک کردن ماهی بود، نزدیک شدیم و از اودرمورد وضع کار و خانواده‌اش پرسیدیم. او در پاسخ‌گفت:

"اسم غلام‌حیدری‌است. هشت‌سرعائله‌دارم. سی سال‌است‌که‌ازده‌به‌شهرآمده‌ام وهمیشه‌هم ماهی‌فروش بوده‌ام. ماهی‌راکیلوئی‌شانزده‌تومان‌می‌خریم‌وهجده تومان می‌فروشیم‌واگر کسی خواست برایش پاک کنیم دو تومان اضافی می‌گیریم. وضع‌فروش ماهی‌همیشه اینطور خوب نیست. حداکثر فروش ما سی تاچهل کیلو و حداقل ده کیلو است. اگر وسایل کشاورزی‌و زمین در اختیارمان قرار دهند، حاضریم به‌ده‌برگردیم".

درد ماهی فروشان یکی دو تا نیست. درد یکی درهمه و درد همه در یکی است. بااینکه‌بیشتر ماهی فروشان سالهاست که به اینکار مشغولند، حتی سرپناهی ندارند که از آفتاب داغ بندرعباس در امان باشند. به همین جهت غلام گفت:

"ما از دولت انقلابی انتظارداریم که‌حداقل سایبانی در اختیار ما قرار دهد، تا ازآفتاب‌مصون باشیم".

از غلام حیدری خداحافظی کردیم و به دو شریک به نام‌های حسن دستغیب هفتادساله‌و حسن سلمانی بیست و دو ساله رسیدیم. دست و پای هر دو آنها پر از پولک ماهی است. پاهای آنها برهنه است و لباس هر دو زیر پیراهنی و یک لنگ است که به‌خودپیچیده‌اند. چین وچروک‌پیشانی‌آنهانشان‌دهندهٔ سالهازحمت‌ورنج‌وتحمل سالهامحرومیت‌های اجتماعی است. در مورد وضع ماهی وماهی‌فروشان پرسیدیم. یکی از آنها گفت:

"ماهی را کیلوئی شانزده تومان از تاجر صید ماهی می‌خریم. چون در حال حاضرماهی تازه‌صید نمی‌شود، ناچاریم‌ماهی یخ زده را بخریم‌وبفروشیم، که البته بعد از آب شدن یخ، از وزن ماهی‌کم‌می‌شود. از طرف دیگر، اگرماهی درهمان‌روزبه‌فروش نرسد، می‌گندد و دیگر کسی آنرا نمی‌خرد و ماضرر می‌کنیم".

این سخنان حسن دستغیب بود.

حسن سلمانی، که با کارد بزرگ مخصوص در حال پاک کردن ماهی بود، گفت:

"بعضی وقت‌هاتاجران‌ماهی توسط عواملشان ماهی را به‌محل فروش می‌آورند و به همان قیمتی که به ما فروخته‌اند، به مشتری می‌فروشند. در نتیجه ما هم مجبوریم که ماهی را به قیمت خریدبفروشیم. ما برای این منظور به همه جا مراجعه کردیم، ولی کسی گوشش بدهکار نیست".

ماهی فروشان، که خود زحمتکش‌اند، درد و رنج سایر زحمتکشان را هم خوب درک می‌کنند. به همین سبب است که حسن، که خود ده سال‌است‌که به اینکار مشغول است، گفت:

"از دولت انتظار داریم که اولا نرخ ماهی را مشخص کند، تا هم ما ضرر نکنیم وهم‌مردم بتوانند بخرند و گرانی بردوش آنها سنگینی نکند. ثانیا، صیادان ماهی در فصل زمستان ماهی‌های صید شده رابجای اینکه به ما بدهند، به شهرهای سردسیر می‌برند و به قیمت بیشتری می‌فروشند. ما انتظار داریم‌که دولت از کارآنها جلوگیری کند، تا مردم از بدست آوردن ماهی در مضیقه نباشند".

با ماهی فروش دیگری به نام حسن ملاحی به گفتگو نشستیم. او گفت:

"ماشش نفرهستیم که دریک خانه‌زندگی می‌کنیم. این خانه سال گذشته‌بر اثر بارندگی به کلی فرو ریخته و فقط یک اتاق از آن باقی است. چندین بار تا کنون به جهاد سازندگی و کمیته‌مراجعه‌کرده‌ام ولی کو گوش شنوا. درآمد آن‌چنانی هم ندارم که مقداری از آنرا برای تعمیر خانه پس‌اندازکنم".

درپاسخ ماکه پرسیدیم: از دولت انقلابی‌چه خواستی داری؟ دستهایش را، که جاهای بریدگی چاقو در آن‌ها دیده می‌شد، نشانمان دادوگفت:

"بیمه و بعد بازنشستگی، سایبانی هم برای فروش ماهی، بهداشت در محیط‌کار تاهم راحت باشیم و هم مردمی که به اینجا جهت خرید ماهی می‌آیند، از بوی تعفن ماهی در عذاب نباشند".

در این محل فقط مردان نیستند که مشغول فروش ماهی‌اند، بلکه زنان نیز پابپای مردان کار می‌کنند. زنانی که به علت کثرت خانوار، بجای اینکه‌در خانه از بچه‌های خردسال خودمواظبت‌کنند ناچارند کمک خرج شوهرانشان باشند. زنی که در گوشه‌ای مشغول فروش ماهی بود، بنابرآداب وسنن قدیمی زنان بندرعباس، روبنده‌ای به‌چهره‌داشت. اگرچه‌نمی‌توان ازخطوط پیشانی او سالهای‌محرومیت را دید، ولی از دستهای پینه‌بسته اش، محرومیت به‌خوبی نمایان است. اوآمنه نام دارد و خرج دوازده نفر را تاءمین می‌کند. او گفت:

"چرا تا به حال دولت به وضع ما رسیدگی نکرده است؟ من با اینکه خودم کار می‌کنم، شوهرم نیز باربری می‌کند، ولی حتی خرج خودمان را نیز نمی‌توانیم تاءمین کنیم، چه رسد به اینکه مقداری هم به دوا و دکتر اختصاص دهیم. زندگی ماتازمانی تاءمین است که کار کنیم. اگر روزی زمین‌گیرشویم، اجبارا باید بچه‌های ما جانشین ماشوند".

زندگی ماهی فروشان نیز مانند دیگرزحمتکشان و محرومان جامعه بسیار اسفبار است. آن ها خواهان رسیدگی به وضع خود هستند. آنها توقع زیادی ندارند وحق طبیعی خود را، که یک انسان برای ادامه زندگی به آن احتیاج دارد، می‌خواهند از قبیل بیمه، بازنشستگی، تاءمین‌زندگی‌درهنگام پیری، تاءمین آتیه‌فرزندان، مسکن‌مناسب، امکانات بهداشتی در محل و سایبانی برای فروش ماهی.

امیدواریم که مسئولان امور هر چه زودتربه خواستهای برحق ماهی فروشان پاسخ مثبت‌دهند.

دست ضدانقلاب را ازراه آهن کوتاه کنید!

پس‌ازانقلاب شکوهمند ضدامپریالیستی‌وخلقی میهنمان، ضدانقلاب بافعالیت گسترده وهمه‌جانبه خود دست به‌خرابکاری زده‌است، تاانقلاب را از مسیراصلی منحرف سازد، ازپیشرفت وتعمیق‌آن‌جلوگیری کندو آنرابه شکست بکشاند. ضدانقلاب برای انجام نیات شوم خودبه‌راهها‌و وسایل‌مختلف‌متوسل شده است. یکی‌ازاین فعالیتهای خرابکارانه، نفوذدر نهادهای انقلابی ودولتی است. نفوذ درجاهائیکه میتواندضربات جدی وجبران‌ناپذیری برانقلاب‌وارد سازد. یکی ازاین نهادها، که ازنفوذ ضدانقلاب مصون نمانده وضربات جدی ازطرف ضدانقلاب بآن واردشده، راه‌آهن است. نفوذعوامل‌ضدانقلاب در کادرفنی راه‌آهن، تاکنون‌باعث خرابکاریهاودرنتیجه تعطیل قسمتهایی، ازجمله حمل ونقل وسایل‌ومحموله های ضروری شده است.

پس ازانقلاب، عوامل ضدانقلاب‌دیزلهای‌راه‌آهن رابه‌بهانهٔ‌نداشتن وسایل یدکی وغیرقابل‌تعمیر بودن به "گورستان" فرستادند وتامدتی‌باعث‌تعطیل قسمت حمل‌ونقل‌بار درراه‌آهن شدند. اماگویا چندی پیش تعدادی کارشناس هندی برای تعمیر دیزلها به تهران آمدند وقرارشده است‌که‌دیزلهای‌خراب‌مجددا بکاربیافتند، بدون اینکه احتیاج به وسایل یدکی باشد. خوشبختانه تاکنون نیزچنددستگاه مرمت وبکار گرفته شده‌اند.

نمونهٔ‌دیگر این خرابکاریها چندی پیش برروی سوزنهای برقی انجام گرفت، که‌باعث خرابی‌وازکارافتادن ۵ دستگاه ازسوزنهای برقی‌شد. این خرابی بین ۲۰ تا۲۵ روز بطول انجامید وهرباربه بهانه‌ای‌از تعمیرکردن آن سرباززده شد. یکباربه‌بهانهٔ نداشتن وسایل ازقبیل کابل برق و باردیگربه‌بهانهٔ فقدان کانال برای کشیدن کابل. سرانجام نیزگفته‌میشودکه کارهای مربوط به‌سوزنهای الکتریکی رابایدبا دست انجام داد. البته ناگفته نماند که‌این موضوع‌چندین باربه مقامات مسئول گزارش شده‌بودکه‌به‌آن‌ترتیب‌اثر نداده‌بودند. پس ازاطلاع پاکسازی راه‌آهن وبادر اختیار گذاشتن‌وسایل لازم، سوزنهایی که‌قریب ۲۵ روزتعمیرنشده‌بودند، درمدت ۲ساعت تعمیروتحویل داده شدند!

چنانکه مشاهده میشود، فعالیت ضدانقلاب وسیع وگسترده است. هریک ازاین گونه‌خرابکاریها، که هرچند به ظاهرجزئی‌هستند، میتوانند بر رویهم کوهی ازمشکلات رادربرابرمسئولین امر قرار دهند، مشکلاتی که بسختی قادر به‌حل آن باشند.

فعالیت ضدانقلاب رابایدد‌رنطفه خفه کرد و راه رابرای رسیدن به‌سوی پیشرفت انقلاب هموار ساخت.

www.iran-archive.com

پاسخ مسئولین به خواستهای دهقانان

درپاسخ خواست‌های دهقانان روستای گردش، که در یک گزارش روستائی با عنوان "درروستای‌گردش کارخانه جنبی ایجاد کنید" (نامهٔ‌مردم‌شماره ۲۷۰ مورخ ۵۹/۴/۹) درج گردید، اخیرا "نامه‌ای به‌شماره ۴۱۱۴–۵۹/۶/۱۵، ازطرف اداره کل ارشادملی‌استان مازندران و فتوکپی نامه جهادسازندگی شهرستان ساری به‌شماره ۵۳۴۱–۵۹/۶/۳ به‌دفتر نامه "مردم" ارسال گردیده‌است، که در ذیل مطالب فتوکپی‌نامه دفترجهادسازندگی ساری عینا "نقل می‌گردد:

"عطف نامه شماره ۳۷۱۳ در مورد شن‌ریزی ۵۹/۵/۲۹ جاده‌روستائی‌گردش به‌استحضار می‌رساند، درحال حاضر به‌علت عدم اعتبارات مالی وامکانات راه‌سازی انجام این برنامه فعلا" مقدور نمی‌باشد".

نامه"مردم"– ضمن تشکر از توجه مقامات مسئول به‌خواست‌ها ومسائل دهقانان، بایددراینجا– عطف به‌نامه جهادسازندگی ساری – مجددا "تاکید کنیم که تامین بودجه‌کافی برای اقدامات عمرانی جهاد سازندگی بدون شک ضروری وحیاتی است. جهاد سازندگی، به‌عنوان یک‌نهاد انقلابی‌ازبدو تولدخود تاکنون نشان داده‌است که نهادی است پیگیر، که براستی و با صداقت و ایمان برای بازسازی ونوسازی روستاهای پرازفلاکت ومحنت کشور می‌کوشد. ما از مقامات مسئول کشور می‌خواهیم که برای‌تقویت هرچه بیشتر این نهاد انقلابی و برای بازسازی ویرانه‌های کشور، که نام روستادارند، اعتبارلازم، اختیارات کافی و وسائل ضروری در اختیار این نهاد قراردهند. ایران انقلابی باید ایرانی‌نو و آباد شود.

به‌دنبال درج یک خبر دهقانی درنامه "مردم"، شماره ۲۷۶، مورخ ۵۹/۴/۱۶، در مورد خواست‌ها ومسائل دهقانان کوچصفهان گیلان، نامه‌ای اخیرا از اداره کل تعاون و امور روستاهای استان گیلان"، به‌شماره ۹۴۶۰/۲/۶– ۵۹/۶/۱۰، به‌دفترنامه "مردم" ارسال گردیده، که درزیر نقل می‌شود:

". . . در موردخواست‌ها و مسائل روستاهای کوچصفهان گیلان مبنی بردادن کودشیمیائی‌وسموم به‌کشاورزان به‌استحضار می‌رساند، که تامین کود شیمیائی ازطریق سازمان تعاون روستائی وشرکت‌پخش کودشیمیائی انجام می‌گیرد و سموم آن‌دسته ازآفات و بیماری‌هائی‌که مبارزه با آن به‌عهده دولت است به موقع و به‌حدکافی در دسترس کشاورزان قرار گرفته و راهنمائی لازم در زمینه مبارزه باآفات وبیماری‌های گیاهی به‌عمل آمده است. در مورد بند ۱۱ و ۱۴ نیز به‌استحضار می‌رساند که پرداخت وام وخرید برنج کشاورزان از وظایف سازمان تعاون روستائی و بانک تعاون کشاورزی می‌باشد که‌مسلما" مقامات مسئول پاسخگو خواهند بود."

نامه"مردم"– ضمن تشکر از حسن توجه مقامات مسئول به خواست‌ها و مسائل دهقانان، امید است که کشاورزان زحمتکش ازسموم دریافتی استفاده‌کافی کرده‌باشند ودر این کمک، به‌نقش شورای ده توجه لازم بشود.

درپاسخ خواست‌های دهقانان‌مشکین‌شهرمبنی‌بر دریافت زمین واجرای قانون اصلاحات ارضی، که در یک خبر دهقانی باعنوان "دهقانان زحمتکش‌مشکین شهر زمین می‌خواهند" در نامه"مردم" درج‌گردیده‌بود، نامه‌ای از طرف‌سرپرست فرمانداری مشکین‌شهر، با شماره ۴۲۲۷–۵۹/۶/۴، به‌دفترنامه "مردم" ارسال گردیده‌است. این نامه در زیر عینا" نقل می‌شود:

"خواهشمنداست مطلب زیر را در پاسخ متنی تحت‌عنوان دهقانان زحمتکش مشکین‌شهر زمین می‌خواهند، درصفحه وستون مربوطه، که طی شماره ۲۵۷ مورخ ۵۹/۳/۲۴ بولتن وعده‌ها درج گردیده، ثبت‌نمایند.

دهقانان و زحمتکشان ارجمند مشکین‌شهر

هیئت‌هفت‌نفره‌واگذاری زمین در مشکین‌شهر پیوسته درحال فعالیت بوده وپس از پایان تحقیقات درمنطقه، عملا" نسبت به‌واگذاری‌زمین‌اقدام‌خواهند نمود".

نامه"مردم"– امیدواریم که هیئت‌نفری واگذاری زمین هرچه‌زودترکارعملی واگذاری زمین‌را، همانطور که‌حجت‌الاسلام فاضل‌هرندی‌نیز وعده‌داده‌است، منجمله در روستاهای مشکین‌شهر آغاز کند ودهقانان را ازبلاتکلیفی نجات دهد.

در نامه "مردم" شماره ۲۸۵ مورخ ۵۹/۴/۲۶ خواست‌های روستائیان سراب نیلوفر در یک خبر دهقانی درج گردید. در پی درج این خبر، نامه‌ای باشماره ۱۶۱۳۴/۳۱– ۵۹/۶/۱۶، ازطرف استانداری کرمانشاهان، به دفتر نامه "مردم" ارسال گردیده، که عینا" در زیر نقل می‌شود:

"بازگشت به‌شماره ۲۸۵–۵۹/۴/۲۶ ص۹، در مورد خواست‌های روستائیان سراب‌نیلوفر، تامین برق‌روستای سرآب نیلوفر جزء طرح‌های سال ۱۳۵۹ شرکت سهامی‌برق منطقه‌ای غرب می‌باشد. ضمنا" اقدامات لازم در جهت تغییر مکان روستا به‌منظور جلوگیری از نفوذ سیل وتامین آب آشامیدنی‌روستای مزبور به‌عمل آمده است".

نامه"مردم"– از توجه مقامات مسئول به‌خواست‌ها و مسائل دهقانان سپاسگزاریم و امیدواریم که روستائیان‌سراب‌نیلوفر بادریافت این پاسخ‌ازنگرانی بیرون آیند. امیدواریم در تمام روستاهای کشور کلیه‌امکانات موجود بسیج شود و در زندگی سخت امروز دهقانان زحمتکش، تحولی جدی پدید آید.

هیئت‌های هفت‌نفری! هرچه زودتر کار واگذاری اراضی را آغاز کنید!

شرایط حاد کشور و لحظات بحرانی دشواری که برجامعه میگذرد، ایجاب میکند که هرچه‌زودتر ریشهٔ بزرگ‌مالکی، که یکی از پایگاههای مهم‌ضد– انقلاب و یکی از امیدهای امپریالیسم و ارتجاع‌است برچیده شود. فعالیت تب‌آلود و دیوانه‌وارفئودال ها و عمال آنها ایجاب میکند که هرچه زودتربساط دزدی و ستم این غارتگران ازبین برده شودوامکان تحریک و تشنج‌آفرینی از آنها گرفته شود:

وضع اقتصادی کشور و نیاز به تولید هرچه بیشتر داخلی و ضرورت قطع وابستگی‌های ایران برپادده ایجاب میکند که اقتصاد سالم‌کشاورزی بر شالودهٔ نظام نوین مالکیت دهقانی، فارغ ازبهره کشی فئودالی و ستم خوانین بناگردد.

وضع زندگی میلیونها ایرانی هموطن‌ما، که مستضعف‌ترین مستضعف‌های ایران هستند، ایجاب میکند که هرچه زودتر و فوری‌تر آنها را به حق مسلم خویش – زمین – وسپس مسائل کار و زندگی رساندو آنها را از زنجیر ظلم و محرومیت آزاد کند.

هرچه زودتر! هرچه زودتر! این‌حکم انقلاب ما و شرایط‌حاد کنونی است. دراجرای این حکم، هیئت‌های هفت‌نفری مامورا‌جرای قانون اصلاحات ارضی و آئین‌نامهٔ اجرائی آن، **وظیفه‌ای سنگین و مسئولیتی‌خطیر دارند.** چشم‌ها، امیدها و آرزوهای توده‌های میلیونی متوجه آنهاست.

پس از انقلاب، بعلت سیاست ضدمردمی وضد انقلابی افرادی از نوع ایزدی‌ها، که بساط بزرگ‌مالکی را می‌پسندیدند و مخالف‌حواسی‌های روحانی‌نمایانی که هیچ وجه مشترکی با اسلام راستین ندارند ومظهر امروزی معاویه‌ها و سلاطین اموی و صفوی وپهلوی هستند، موجب شد که نزدیک ۲۰ ماه بعدازپیروزی انقلاب، این مسئله هنوز حل نشده باقی بماند. در حالیکه حل نشدن مسئله نه فقط موجب نارضائی و دلسردی دهقانان میشود، که خود امری بسیارمهم است، بلکه زمین را زیرپای انقلاب سست میکند و بهانه و زمینه به دست ضدانقلاب میدهد.

مجلهٔ "پیام انقلاب"، نشریه سپاه‌پاسداران انقلاب اسلامی، درشمارهٔ ۱۹ شهریور خودمینویسد:

" روزها گذشت و تبدیل به هفته‌ها شدوهفته‌ها تبدیل به ماهها و ماهها یکی پس ازدیگری گذشت، بدون اینکه تغییری دروضع روستانشینان پدید آید. فئودالهائی که سالهای سال همچنان روی زمین‌های حاصلخیز بواسطه دیگران میکاشتند و میدرویدند (همچنان) با پول آن به عیش و نوش و توطئه برعلیه انقلاب اسلامی پرداختند. ولی درعین حال کشاورزان‌بی‌زمین، نه لباسی برای پوشیدن داشته‌اند نه نانی‌برای خوردن، نه قطعه زمینی را برای زراعت کردن، نه خبری بودازماموران دولت که بیایندوزمین هارا از دست آنها بگیرند و بین مردم تقسیم‌کنند. آنهاطوری فراموش شدند که اگر گاه و بیگاه بچه‌های جهادسازندگی، یا نهضت سواد آموزی یا سپاه پاسداران به آنجا سری نمی‌زدند، مردم آن‌مناطق فکرمیکردند که رژیم (جمهوری) عوض شده و طاغوت دوباره برگشته است."

به این وضع باید هرچه زودترپایان داد. این همان مسئولیت خطیرهیئت هفت نفری است. چرا بایدطوری شود که مردم فکرکنند رژیم جمهوری اسلامی ایران عوض شده؟ مجلهٔ پیام انقلاب به درستی ادامه‌وضع کنونی و تسلط‌اربابان را مساوی‌با برگشتن طاغوت دانسته است. چه عملی انقلابی‌تر، ضروری تر و فوری‌تر از اینکه به سلطه فئودالهاهرچه زودتر پایان داد؟ بیهوده نیست که عبارت **"هرچه زودتر"** را اینهمه تکرارمیکنیم. کش دادن موضوع‌و تاخیردراجرای قانون، همان طاغوت بازی است، همان سیاست ایزدی‌ها و وعاظ‌الملاکین است، زمینه ساز توطئه علیه انقلاب و موجب آنست که دهقان نه لباس داشته باشد، نه نان و نه زمین.

ازتصویب قانون، نخست دراسفندماه ۵۸، و سپس باجرح و تعدیلهائی درفروردین ۵۹ و تصویب آئین‌نامه اجرائی آن دراردیبهشت ماه، بازهم ماهها گذشته است. کشت پاییزه نزدیک است و توطئه‌های ضدانقلاب فوری‌و حدی است.

حجت الاسلام فاضل هرندی، نماینده حاکم شرع درستاد واگذاری زمین، گفته است:

" هنوز هیئت‌های واگذاری درهیچ کجای‌ایران زمینی به کسی واگذار نکرده، بلکه دراین مدت به‌کار تحقیقاتی مشغول بوده‌اند که خوشبختانه باید به اطلاع برسانم که در خیلی از استانها تحقیق به اتمام رسیده و عنقریب ماتقسیم اراضی را شروع خواهیم کرد".

خواست کلیه دهقانان و همهٔ انقلابیون‌آنست که این "عنقریب" هرچه زودتربه زمان حال‌بدل شود و مسئولیت بزرگ هیئت‌های هفت‌نفری با موفقیت انجام پذیرد. نشریه پیام انقلاب نه حق می‌نویسد:

" از حضورشان تقاضاداریم که قدرهٔ بنه کارهایشان سرعت عمل ببخشند و از اتلاف وقتها شدیدا جلوگیری کنند."

این نشریه بحق از دولتمردان جدیدمطلبند که از ستاد واگذاری زمین کاملاحمایت کنند، کار آنرابه بهانه‌هائی ملغی اعلام نکنند، وسائل در اختیارشان بگذارند. انجام این وظایف راازاستان‌داریها و فرمانداریها کتبا بخواهند و درصورت عدم همکاری با هیئت‌ها، آنها را برکنارکنند (ازفرمان – داری یادمیشود که هیئت را بیرون کرده و اجازهٔ فعالیت نداده، فرمانداری که خودش فئودال بودو البته مخالف پیاده‌شدن طرح!)

آری، مسئله حیاتی و مبرم است. حیاتی برای میلیونها دهقان زحمتکش و مبرم‌برای سرنوشت انقلاب. هررور که دیرشود، به انقلاب و به امید میلیونها دهقان ضربه میخورد، به یأس و بدبینی افزوده میشود، خوانین و اربابان جری‌تر و هارتر میشوند، و آنوقت کارهه زد و خورد و خونریزی خواهدکشید. دهقانان مصرانه حق خودرامیطلبند وهمهٔ انقلابیون راستین جانبدارآنهاهستند. برای شروع هرچه زودترکار واگذاری زمینها به دهقانان تهیدست – این امر انقلابی، قانونی، حقه، انسانی وشرعی – حاجت هیچ استخاره نیست. حال که مرحله تحقیق درخیلی از استانها به اتمام‌رسیده است، باید بلافاصله **باتکیه بخوددهقانان**، با **یاری جستن از نهادهای انقلابی** مشغول بکارشد، هیئت هفت‌نفری بایدهرچه زودتر زمینها را به صاحبان اصلی آنها– کسانی که کارمیکنند و اراضی راباروزمیسازند– واگذارکنند. بطوریکه از ریشه‌و کاملا بساط بزرگ مالکی برچیده شود. به قول‌حجت الاسلام هرندی: "دهقانان اکثریت قاطع را تشکیل میدهند و مهمترازهمه حق با آنهاست".

هیئت‌هفت‌نفری مسئول است هرچه زودتر دست باطل را کوتاه کند.

هیئت هفت‌نفری موظف است هرچه زودترحق را به حق‌دار برساند.

بی‌هیچ تاخیر، بی‌هیچ اتلاف وقت، هرچه زودتر!

دهقانان عزیز!

دست جنایتکار و تجاوزگر آمریکا این‌بار از آستین صدام‌حسین، رئیس دولت بعثی عراق‌درآمده است. تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق علیه میهن‌ما، علیه انقلاب بزرگ ما، چیزی نیست جز بخشی از توطئه‌های شیطان بزرگ – امپریالیسم آمریکا. بگفتهٔ **امام خمینی**، رهبر انقلاب:

«ایران در حال جنگ‌است با آمریکا و این‌آلت دست امریکا تجاوز کرده‌است به ایران.»

وظیفهٔ همه‌ماست که از انقلاب، از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم.

باید متحد و آماده باشیم تا آمریکا و رژیم بعثی عراق هیچ غلطی نتوانند بکنند.

دهقانان زحمتکش!

برای مبارزه علیه تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق و برای مقابله با توطئه آمریکای خونخوار، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و ازجمهوری اسلامی ایران به نهادهای انقلابی اعلام‌کنید!

خونسردی و متانت انقلابی خود را حفظ کنید! به شایعات دشمن باور نکنید! با شورانقلابی همیشه آماده باشید!

با پاسداران محل تماس بگیرید و هر فرمانی که‌سپاه پاسداران برای دفاع از انقلاب و میهن انقلابی میدهد، اجرا کنید!

ثیما بخش اعظم ارتش‌بیست‌میلیونی راتشکیل میدهید. درهمه‌جا، در **«بسیج مستضعفین»** شرکت کنید و فعالانه دستورها و راهنمائی‌های بسیج را عملی سازید!

عوامل ضدانقلاب و تفرقه‌افکن را در هرجا که هستند، شناسائی کنید و به نهادهای انقلابی اطلاع دهید!

ازخرمن‌هائی که هنوز جمع‌آوری نشده، یا هنوز در انبارهای ده مانده، مراقبت کنید! ازدامها مواظبت کنید! برای چشمه‌ها و منابع آب وچاهها مامور بگذارید، تاضدانقلاب به خرمن‌ها و منابع آب آشامیدنی شما خساراتی وارد نکند.

مواظب تحریکات وتوطئه‌های اربابان‌وخوانین باشید. نقشه‌های آنها را فاش کنید!

دهقانان ایران! در این لحظات حساس، همه جانبه و با اتحاد و هشیاری از انقلاب و ازجمهوری اسلامی ایران دفاع کنید!

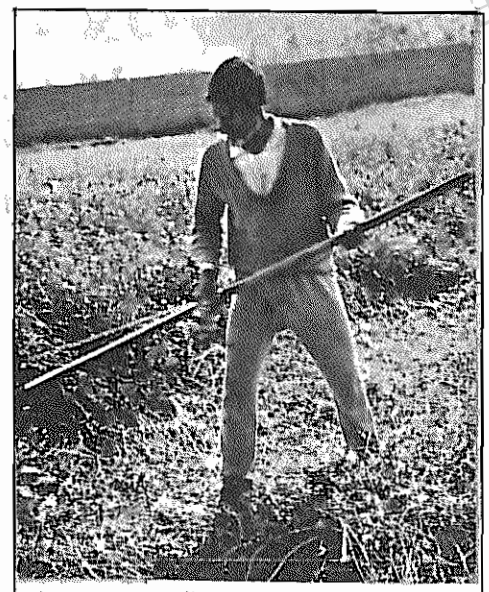

ظهراب قاسمی، با ۸۰ سال سن، هنوز برای ارباب ده کار می‌کند.
مزد ظهراب ۱۵۰ تومان در ماه است. آری، فقط ۱۵۰ تومان در ازاء یك ماه‌جان‌کندن. او هم چشم‌انتظار هیئت هفت‌نفری است.
(روستای کوگه – اردبیل)

تا طرد کامل بزرگ‌مالکی، توطئه علیه دهقانان ادامه دارد

روستای آقبلاغ، با ۳۰۰ نفرجمعیت، در۵کیلو متری شرق جادهٔ سنندج – دیواندره واقع است. مالک ده یک‌باردر زمان طاغوت، ژاندارم‌ها را برای سرکوب مبارزات دهقانان به جان آنان انداخت، اما بعدازانقلاب، دهقانان متحد شدند و زمینهاراشخم زدند.

بعلت نفوذ مالکان درروستا وستمگری آنان و همچنین قتل یکی از روستائیان مبارز بنام **محمد فتحی**، که با همکاری فئودالهای منطقه صورت‌گرفت دربهارسال ۱۳۵۸، درحدود ۱۰۰ نفرازدهقانان بی‌زمین و کم‌زمین این روستا علیه این‌مالک‌خونخوار ودیگرمالکان، دست به یک اعتراض جمعی‌زدند. دهقانان می‌طلبند که دست مالک ده و دیگربزرگ مالکان از روستا کوتاه شود و زمینهای بزرگ مالک میان دهقانان تقسیم گردد.

هیئت هفت‌نفری بایدهرچه زودتربه انتظار دهقانان پایان دهد و بساط‌جور و ستم طاغوتی مالک را برچیند.

روستای "سرجو"شهرتشان در انتظارورودجهادسازندگی

روستای "سرجو"شهرتشان، که‌در۲۴کیلومتری شمال غربی بهبهان قراردارد، در زمره‌روستاهائی است که همچنان درانتظار جهادسازندگی به‌سر می‌برند. این روستا با جمعیتی قریب ۱۷۰۰ نفر به‌چهارمنطقه سرجوشهرتشان، سرجوبالیاوی، سرجو شهرعباس و قریه‌کماهی تقسیم می‌شود.

کمبود وسائل کشاورزی تولید محصول را درسطح پائینی نگاه‌داشته است. دهقانان‌می‌گویند:

"اگر وسائل کشاورزی به‌اندازه کافی در اختیارمان باشد، می‌توانیم محصول‌بیشتری‌تولید کنیم، تاحدی که بشود مقداری از آن‌را صادرکرد".

از دوایر دولتی‌که می‌توانند درامرکشاورزی‌به اهالی روستا مدد رسانند، شرکت‌تعاونی و اداره‌کشاورزی است. اما در این دو اداره کسانی می‌کوشند بدهکاری‌های این روستائیان را که ازدوره طاغوت باقیمانده است ودهقانان بنیه‌پرداخت آنراندارند، از آنها دریافت دارند. درشرایطی‌که گرانی بیداد می‌کند وقدرت خرید مردم تا حد وحشتناکی پائین آمده است، این عمل، کمر دهقانان را خرد می‌کند و موجب آوارگی می‌شود. دهقانان خواستار لغو بدهی‌های قبلی از سوی‌دولت و شالوده‌ریزی نظام جدید انقلابی برای تامین وام هستند.

اهالی سرجوشهرتشان از هرگونه امکانات بهداشتی محروم هستند. آب آشامیدنی روستا از چشمه‌های متعددی است، که مجموعا" به آبگیر وسیعی تبدیل می‌شود و سپس جریان می‌یابد، ولی این آبگیربا چشمه آب معدنی گوگرددار مخلوط گردیده، که سبب تغییراتی در ترکیب طعم وبوی آب آشامیدنی و باعث بروز انواع بیماری‌ها، مخصوصا" در میان کودکان می‌شود.

اهالی سرجوشهرتشان می‌گویند:

"اگرمسیر این چشمه را منحرف کنند، همه‌ما راحت خواهیم شد".

آنها از نداشتن درمانگاه‌رنج می‌برند و می‌گویند که واحد بهداری فقط هفته‌ای یک‌باربرای مداوای بیماران به روستا می‌آید. این مداوا نیز همه بیماران را شامل نمی‌شود. فقدان مدرسه راهنمائی و جاده مناسب از دیگرمشکلات اهالی سرجوشهرتشان است.

سرجوشهرتشان با صبر انقلابی در انتظار جهاد سازندگی است. ما توجه جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران رابه روستای حرمان زده سرجوشهرتشان جلب می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم، تا با قاطعیت هرچه‌تمامتر، به‌نیازهای مشروع اهالی این‌روستا پاسخ‌مساعد بدهند.

دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی وسپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرید

کس‌هال دبیر کل ...

بقیه از صفحه ۶

بپذیرند.

مشکل‌اصلی، مشکل همبستگی طبقاتی‌است. سلب حق دیگران به‌زور، خواهد توانست برای شخص امتیازات بلافاصله‌به‌همراه داشته باشد، هرچند این امر، از نقطه‌نظر تاریخی، مورد نفرت اکثرکارگران است. کسب امتیاز از طریق اعمال تبعیض نسبت به‌دیگران، به‌مثابه سلب حق‌دیگران به‌زور است. این عمل‌منافع تمام طبقه را قربانی دستاوردهای لحظه‌ای، فردی و خودخواهانه می‌کند. آنچه ما بدان محتاجیم، پایه‌گذاری سنت مبارزه علیه‌بهره‌برداری ناشی از اعمال تبعیض نژادی است، که خود به‌اندازه سنت مبارزه علیه سلب حق دیگران به‌زور، نیرومند است.

همانقدر که‌برای سفیدپوستان‌ضروری است تا زهرتبعیض‌نژادی را باهمه‌مشخصاتش‌بشناسند و علیه آن بجنگند، برای کسانی که تحت ستم نژادی و ملی هستند نیز به‌همان اندازه اهمیت دارد بدانند که: متحدین بالقوه‌شان چه کسانی هستند، دشمن کیست، و آنچه که راه پیشرفت‌های بیشتر را در این لحظه سد می‌کند، چیست؟

درآغاز، مسئله‌همبستگی بین سیاهان و سایر خلق‌های تحت‌ستم مطرح است. طبقه حاکمه فعالیت خستگی‌ناپذیر درجهت ایجادتفرقه بین سیاهان، چیکانوها، پورتوریکویی‌ها وغیره... دارد. آنها علاوه برسایر سلاح‌ها، با دقت تمام ازاختلافات موجود، ازنقطه‌نظرتاریخی‌وسنت‌ها استفاده‌می‌کنند. ولی‌علی‌رغم وجودچنین اختلافاتی، همه‌ستم‌دیدگان در این کشورسرنوشت مشترکی دارند. تمام آن‌ها می‌کوشندتا هم‌معیشت خود را فراهم کنند وهم همه با ستمگر مشترکا" مقابله کنند. درهرفرد، غرورنسبت به گذشته‌اش طبیعی است. ولی نباید اجازه‌داد که این امر به‌خدمت ایجاد جدایی درآید.

جمع تعداد سیاهان، چیکانوها، پورتوریکویی‌ها، سرخ‌پوستان بومی امریکا، آسیایی‌های‌حوزهٔ اقیانوس‌آرام و سایر خلق‌های تحت ستم ملی در ایالات متحده بالغ برپنجاه‌میلیون‌نفر است، یعنی درحدود یک‌چهارم کل‌جمعیت. این‌جمعیت در صورت اتحاد نیرومندو محکم بین خود خواهد توانست به‌صورت نیرویی عمده وقدرتمنددرایالات متحده درآید.

لیکن تنها اتحاد مستحکم دربین خلق‌های تحت ستم کافی نیست. اتحاد با سفیدپوستان و قبل از همه کارگران سفید امری است اجتناب ناپذیر. این امر بخصوص در شرایط موجودواقعیت عینی بیشتری‌به‌خود می‌گیرد.

پیشرفت‌اساسی وضع اقتصادی خلق‌های تحت‌ستم، پیشرفت امر بهبودبخشیدن به‌شرایط اقتصادی آنان در زمینه‌های: امکانات اشتغال، دستمزدها، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی، نیازمند گردش ۱۸۰ درجه تمام اولویت‌ها درکشور است. این امر نیازمند تقلیل فوق‌العاده بودجه نظامی، تغییر سیاست خارجی در جهت مقابل و محدود کردن جدی سودهای انحصارات است. بدون این تغییرات، هیچ‌گونه پیشرفت اقتصادی ممکن نخواهد بود.

احتیاج به ائتلاف وسیع

ولی ایجاد چرخش در این سیاست‌ها، کاری است که جز با ائتلاف وسیع اکثریت عظیم مردم‌انجام‌پذیرنیست. اصول‌چنین ائتلافی هم‌اکنون در شکل جنینی‌خود موجود است. آنچه لازم است، وسعت بخشیدن و تقویت آن‌است. پایه‌های این ائتلاف در توسعه منافع متقابل ستمکشان ملی ونژادی‌ـ وکارگران به‌طورکلی‌ـ است تا از این طریق منافع مشخص مشترک منطبق برهم راجستجو کنند.

طبقه‌حاکمه‌تضادها و مشخصات متضادروابط رادامن‌می‌زند. به‌منظور روفتن آثار تبعیض‌نژادی، ضرور است تا گام‌های خاص در جهت اقدامات قاطع عملی، وبخصوص درزمینه‌های استخدام و ارتقاء برداشته‌شود. هنگامی‌که‌این امر انجام‌گیرد کارگران یک‌واحدخواهند توانست، متحدشوند و برای قطع فشار، که برای سرعت بیشتر در کار برایشان اعمال‌می‌شود، تقلیل‌ساعات کار و افزایش دستمزد مبارزه کنند.

میان طبقه کارگر، از هرنژاد و ملیت، منافع شخصی منطبق برهم وجود دارد، در حالی که مابین بخش‌های استثمارشده‌جامعه وسرمایه‌های بزرگ تجارتی تنها دشمنی آشتی‌ناپذیرپایه‌ای است.

درگیری باسرمایه‌های انحصاری کاربزرگی است، لیکن هیچ‌گونه‌راه‌حل جنبی وجود ندارد. بدون جنگ متقابل، متحد وهمه‌جانبه علیه انحصارات هیچ راهی برای حل‌مسئله‌وجودندارد. این‌امری‌است انجام‌پذیر و انجام خواهد گرفت، دقیقا" به‌این علت که‌هیچ‌راه دیگری وجودندارد. مردم کشور ما قصدندارند به‌جای خودبنشینند و شاهد بدتر وبدتر شدن امور باشد. آنها می‌روند تا بیش ازپیش متحد شوند و بجنگند. واتحاد، در مرحله‌نخست وقبل از همه، نیاز به اقدام برای مبارزه جدی علیه نژادپرستی و تبعیض، هرجا و هروقت که سر زشت خود را بلند کند، خواهد داشت.

ترجمه‌ازدیلی‌ورلد ـ ۱۰ آوریل ۱۹۸۰

تامین کاربرای کارگران بیکار، یکی ازنخستین وظایف دولت انقلاب است

«اوپک» قدرت حیات دارد و باید به‌سنگری جدی جهت دفاع از منافع کشورهای نفت‌خیز بدل شود

این امر که "اوپک" ـ سازمان کشورهای صادر کننده‌نفت ـ اکنون درمعرض تندبادهای امپریالیستی ورژیم‌های ارتجاعی‌وابسته به‌آن قرارگرفته، حادثه‌ای کاملا" طبیعی‌وقانونمند است. امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده‌درکشورهای نفت‌خیز درحال رشد، به ویژه از زمانی‌که انقلاب ضدامپریالیستی وخلقی‌مردم ایران پیروزشده وتناسب جدیدی از قوا را به سود تامین منافع واقعی کشورهای‌نفت‌خیز بوجود آورده، "اوپک" را در معرض طوفانی از تهاجمات آشکار و پنهان سیاسی، اقتصادی واجتماعی و حتی نظامی قرار داده‌اند. هدف این طوفان ازپادرآوردن‌درخت ۲۰ ساله‌ای است که‌چون‌خاری‌بزرگ‌درچشم غارتگران نفتی فرورفته وبیش از پیش حلقوم آنان را، که همان انحصارات غارتگر امپریالیستی باشد، می‌فشارد.

تندبادهای محافل امپریالیستی ورژیم‌های دست‌نشانده‌آن علیه موجودیت "اوپک"، در زمان های اخیر، بیش از هروقت دیگر درطول‌عمر ۲۰ ساله سازمان‌کشورهای صادرکننده‌نفت، دامن‌زده می‌شود. این تندبادها تا آنجا شدید و خارق‌العاده است که هم‌اکنون جنگ فرسایشی رژیم مزدوربعثی عراق را علیه ایران ایجاد نموده و آتشی را که مورد نظر محافل امپریالیستی بویژه‌امپریالیست‌های امریکااست، برافروخته است. بدون شبهه سرچشمه تهاجمات نظامی رژیم‌مزدور بعثی عراق علیه ایران دردست محافل امپریالیستی مدافع کارتل‌بین‌المللی بویژه امریکا است که می‌خواهند با نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گلیم غارت بی‌امان‌منابع نفتی خود را در منطقه از آب بیرون بکشند و سلطه امپریالیستی را، که‌تا همین گذشته نزدیک پابرجا بود، دوباره برکشورهای نفت‌خیز درحال رشدمسلط سازند.

اگرحتی دراین شرایط امپریالیسم غارتگر موفق به‌اجرای نقشه‌های شیطانی خود نمی‌شود و مثلا کنفرانس" اوپک" تندباد عظیمی را علیه‌خود از سر می‌گذراند وموجودیت خود را حفظ می‌کند و حتی به‌اتخاذتصمیمات به‌هرحال مشروط دسته‌جمعی مبادرت می‌ورزد، دلیل آن‌را باید درآن‌دانست‌که "اوپک"، به‌عنوان‌حربه‌کشورهای نفت‌خیز درحال رشد دربرابر غارت انحصارات ودول‌امپریالیستی، حق حیات دارد. این سازمان می‌تواند و بایدبه سنگری جدی در رهایی همه کشورهای نفت‌خیزاز سلطه‌امپریالیسم، کارتل‌بین‌المللی وانحصارات غارتگر، ازهرقماش، تبدیل گردد.

درشرایط‌ایجاد محیط نفاق ودودستگی در بین‌کشورهای نفت‌خیز عضو اوپک وحتی ایجاد و دامن زدن جنگ بین دوعضو اساسی اوپک ـ عراق و ایران ـ امید محافل امپریالیستی ازهم‌پاشیدگی‌و تلاشی‌کامل "اوپک" بود. اگر حتی‌دراین شرایط، اجلاسیه اخیر وزرای اوپک توانست به اتخاذتصمیم درباره‌کاهش ۱۰درصد ازتولیدات روزانه‌که‌بطور عمده‌شامل‌عربستان سعودی وعراق‌می‌شود، وافزایش قیمت پایه از ۲۸دلار به‌۳۰دلار درهربشکه (که‌باید از جانب دولت عربستان‌سعودی‌رعایت‌گردد) موفق شود، این پیروزی نسبی بسیار جالب توجهی‌برای اوپک است. این‌پیروزی بیانگرآن است که تناسب درونی‌در "اوپک" آنچنان به‌سود نیروهای ضد امپریالیستی وضدکارتل تغییریافته، که "اوپک" قادر است ازسهمگین‌ترین‌مخاطرات جان‌سالم‌بدر برد و حتی‌امپریالیسم‌ورژیم‌های دست‌نشانده‌آن‌رادربن‌بست قراردهد.

کنفرانس وزرای نفت ودارائی کشورهای عضو "اوپک" دروین، گذشته از آن‌که به‌اتخاذ تصمیم کاهش ۱۰ درصدازمیزان تولیدروزانه‌نفت درکشورهای‌صادرکننده نفت نائل شد و علاوه برآن‌که‌سرسخت‌ترین دولت عضو "اوپک" دردفاع علنی وآشکار از مواضع امپریالیسم، یعنی عربستان سعودی، رابه قبول افزایش قیمت‌های پایه وادار کرد، در مورد استراتژی درازمدت اوپک درتعیین قیمت‌های‌نفت، درکمک به‌کشورهای درحال رشد مصرف کننده‌نفت، درطرح جلوگیری از معامله وصدور نفت به‌اسرائیل وافریقای جنوبی وهمچنین تقویت بانک "اوپک" برای کمک‌به کشورهای عقب‌مانده، پیروز از صحنه خارج شد. اتخاذ تصمیمات لازم درباره‌ٔ مسائل‌اخیربه اجلاسیه‌های بعدی "اوپک" موکول شده‌است، اما با این‌همه، این موفقیت بزرگی است که اجلاسیه "اوپک" نظریه مبنا قراردادن نرخ تورم درکشورهای غربی را برای قیمت‌گذاری نفت درآینده رد کردوعملا "نظریه ایران، الجزایر ولیبی" را پذیرفت، که معتقدند در افزایش قیمت نفت درآینده، باید نرخ تورمی‌را که دول امپریالیستی به‌کشورهای‌نفت‌خیزتحمیل‌می‌کنند، مورد استفاده‌قرارداد. پیشنهادهای کشورهای اخیر همچنین درمورد این‌که، افزایش قیمت نفت از این به‌بعدازکشورهای درحال رشدمصرف‌کننده‌اخذنشود ویابه‌خود آنها برگردانده شود، صندوق "اوپک" تعهدات وسیع تری‌را درکمک به‌کشورهای اخیر به عهده گیرد، در مرکز مباحثات "اوپک" در وین‌قرار گرفت. همچنین پیشنهاد بایکوت اسرائیل‌وافریقای جنوبی، ولو به‌اکراه، عملا" از جانب ۱۲ عضو از ۱۳ عضو "اوپک" پذیرفته‌شد، که‌قطعنامه‌های آن در کنفرانس آینده صادر خواهد گردید.

آنچه‌که درباره‌پیروزی‌های اجلاسیه جدید "اوپک" گفتیم، البته آن موفقیت‌هایی نیستند که می‌توان از "اوپک" انتظار داشت. ملل کشورهای نفت‌خیز درحال رشد به‌درستی از سازمان کشورهای صادرکننده‌نفت انتظار دارندکه، این سازمان به حربه موثر مبارزه ضدامپریالیستی، بویژه‌مبارزه‌علیه تسلط‌کارتل بین‌المللی واعضاء غارتگرامریکایی‌و انگلیسی آن بدل‌شود و "اوپک" ناقوس مرگ امتیازات نفتی را درهمه "جهان‌سوم" به‌صدادرآورد. اجلاسیه‌اخیر "اوپک" حامل چنین موفقیت‌هایی نبود. اما نمی‌توان کتمان کرد‌که اجلاسیه "اوپک"، درحالی‌که‌زیر رگبار انواع‌فشارهای‌محافل‌امپریالیستی و انحصارات نفتی ورژیم‌های دست نشانده قرار داشت، معذالک دربرابر چنین گردبادامپریالیستی و ارتجاعی سرخم‌نکرد و حتی به‌اتخاذ تصمیماتی که برنامه‌های دول امپریالیستی‌وانحصارات غارتگر نفتی را خنثی می‌کند، موفق گردید. چنین مقاومت موءثر وکارسازی در "اوپک" علیه‌توطئه‌های‌امپریالیستی ورژیم‌های ارتجاعی، نشانگر امکانات عظیم این سازمان درمبارزه به‌خاطر رهایی همه‌کشورهای نفت‌خیز از زیرظلم، غارت واستثمار وحشیانه امپریالیستی است. به‌نتایج‌کنفرانس‌اخیر "اوپک" در وین باید از این‌دیدگاه بنگریم. به‌ویژه بر دولت انقلابی ما درجمهوری اسلامی است که به‌کوشش‌های خود درجهت تحکیم و پیروزی مشی‌قاطع مبارزه‌ضد امپریالیستی و مبارزه سرنوشت ساز علیه کارتل بین‌المللی و انحصارات غارتگر نفت در "اوپک" بیفزاید.

چگونه «سیا» برای «آزادی» افغانستان مبارزه می‌کند

جیمی‌کارتر چندی پیش‌به نخست‌وزیر چین گفته‌بود که وی خواهان "افغانستانی آزاد، بری‌از دخالت خارجی" است. اگر وی به‌راستی در این گفته‌اش صادق بود، حل سیاسی "مسئله‌افغانستان" چنان دشوار نمی‌نمود. مگر نه‌این‌که دولت‌افغانستان در پیشنهادهای ۲۵ اردیبهشت خود، از همین دولت آمریکا خواست که از "فعالیت‌های‌مفسدجویانه علیه افغانستان، از جمله از سرزمین کشورهای دیگر، دست بردارد"؟

ولی شواهد گوناگون نشان می‌دهد که، به خلاف گفته‌های "آزادیخواهانه!" و "استقلال‌طلبانه!" جیمی کارتر، عوامل‌سازمان شبه‌کار "سیا"، نه‌تنها در پاکستان باندهای ضد انقلابی را برای عملیات خرابکارانه‌درافغانستان تعلیم می‌دهند، بلکه حتی در خود خاک افغانستان‌به‌شرارت می‌پردازند.

ما در زیر به‌گواهی چندشاهدبسنده‌می‌کنیم:

شاهد۱: نمایندگان‌پارلمان آمریکا

در ۲۴ خردادامسال‌تلویزیون "سی.بی.اس." آمریکا برنامه‌ای درباره‌ٔ عملیات مخفیانه‌جدید "سیا" پخش‌کرد. در این برنامه، به‌ویژه به نقش‌خرابکارانه "سیا" در افغانستان و ایران‌اشاره شد. لی‌آسپین، نماینده کنگره و رئیس کمیسیون جاسوسی مجلس نمایندگان ایالات متحده، و جوزف‌بایدن، عضو کمیسیون جاسوسی سنا، که در این برنامه شرکت داشتند، صحت گزارش‌های نامبرده را تاییدکردند.

شاهد۲: دولت آمریکا

یکی از مقامات بلندپایه واشنگتن در برابر خبرنگاران رسما "اعتراف کرد که، ایالات متحده آمریکا از باندهای ضدانقلابی‌علیه حکومت افغانستان استفاده می‌جوید. وی گفت:

"ما می‌کوشیم به‌هرطریق به آنها کمک کنیم. من در اینجا از تشریح همه این طرق معذورم".

شاهد۳. خبرنگار "ای.بی.ان."

بوروویک فرستاده خبرگزاری "ای.بی.اس."، اوائل سال جاری از کابل‌خبردادکه، نزد عناصر ضد انقلابی نارنجک‌های‌سیمیائی پیدا شده‌است، که محتوی مواد "سی‌ـ اس" هستند. این نارنجک‌ها ارگان‌های سیمایی ودستگاه تنفس را برای مدتی فلج می‌کنند و حتی ممکن است که به‌هلاکت طرف‌متجر سوند. بوروویک. در گزارشی برای روزنامه "اونسره تسابت" (آلمان‌فدرال) نوشت:

"من این نارنجک‌ها را به‌چشم خود دیدم. روی این نارنجک‌ها، که‌الان‌درکابل‌هم‌هست، مهری است، که تردیدی درباره‌ٔ منبع آنها باقی‌نمی‌گذارد: سی‌ـ اس۵۱۷، ساخت کارلزبرگ، پنسیلوانیا، ۱۵۶۸۱، ایالات‌متحده آمریکا".

شاهد۴: ضیاءالدین، عامل "سیا"

چندروزپیش از عیدنوروز شخصی به‌نام‌ضیاء ـ الدین، شعبه‌مصر، در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل اعتراف کرد که "سیا" او را به‌افغانستان‌فرستاده بود، تا به‌جاسوسی ودیگر عملیات خرابکارانه بپردازد. وی، که به چنگ مقامات امنیتی‌افغانستان افتاده‌بود، گزارش داد که، پنج‌ماه‌پیش از شروع ماموریتش او را از راه‌های مخفی به آلمان غربی بردند ودرمدرسه‌ای ویژه، از جمله‌در رشته‌های عکاسی، اسلحه‌شناسی ومواد‌انفجارزا، تعلیم دادند.

شاهد۵: رابرت لی، عامل "سیا"

یکی دیگر از عوامل "سیا"، به‌نام‌رابرت‌لی، که در افغانستان‌دستگیر شد، اواسط‌زمستان سال پیش اعتراف کرد، که سه‌بار به‌آن کشورآمده بود. تاریخ اقامت او در افغانستان‌همیشه با دوران‌افزایش تشنج درکابل مطابقت می‌کرد. لی افزود که‌کارشناسان و نمایندگان رسمی‌ایالات متحده درشهرپیشاور پاکستان اقامت دارند و در آموزش‌عوامل ضدانقلابی شرکت می‌کنند. لی گفت، پس از آن‌که‌باندهای ضد انقلابی باسلاح‌هایی که روی آنها "ساخت ایالات متحده‌آمریکا" نوشته شده‌بود، لو رفتند، اکنون‌روی این سلاح‌ها نام کشورهای دیگری ذکر می‌گردد.

شاهد۶: "کائونتراسپای"

به‌نوشته "کائونتراسپای"، که در واشنگتن منتشر می‌شود ودرباره‌فعالیت‌های "سیا" درسراسر جهان گزارش می‌دهد، یک‌کماندوی "سبا"، به‌رهبری رابرت.پی.لاسارد، یک‌سال پیش ازدرخواست کمک نظامی‌دولت افغانستان از اتحاد شوروی، در کشور همسایه مابه‌تدارک‌واجرای عملیات ضدانقلابی اشتغال داشته‌است.

شاهد۷: "واشنگتن پست"

اواسط‌زمستان سال۱۳۵۸، روزنامه "واشنگتن پست" نوشت که "سیا" برای مخفی‌نگه‌داشتن‌جزئیات و وسعت "عملیات" خود، "سلاح‌های سبک وضد تانک" ساخت‌کشورهای‌غیرآمریکایی‌ـ ازجمله‌شوروی‌ـ را به‌افغانستان‌فرستاده است.

شوخی‌نیست...!

ماهواره جدید خاصیت خرگوش دارد

خواننده‌باذوقی به‌ما می‌نویسد:

"پس از خواندن خبری‌که‌روزنامه "کیهان" (درشماره۲۳شهریور۱۳۵۹) درباره‌ٔ پرواز "ماهواره شوروی" "برای جاسوسی" برفراز خاک ایران و "تیراندازی پاسداران" و "گریختن (ماهواره) به خاک شوروی" منتشر کرده‌بود، من به‌یک "کارشناس امورماهواره‌ای" مراجعه‌کرده و تقاضای تفسیر این خبر را از اوتمودم.

"کارشناس امورماهواره‌ای" پس از کمی تامل تفسیر خبر را چنین آغاز کرد:

مرحوم ابوی نقل می‌کرد از دروغگویی که با دروغهای آشکارش مردم را به‌تنگ آورده بود. از جمله روزی می‌گفت: فلان‌السلطنه تهرانی‌آنقدر سخاوتمند است و سفره‌های مهمانی چنان وسیعی می‌گستراند که در هرضیافت نهار، هفتادوهفت پوط (هرپوط ۱۶کیلوگرم) فقط نمک مصرف می‌شودو قسم می‌خورد که خودش دربسیاری از این میهمانی‌ها شرکت کرده‌است.

یکی از حضار، که دیگرطاقت شنیدن دروغ‌های او را نداشته، به‌خیال‌متوجه کردن او به قبح دروغ، تصمیم گرفت که او هم یک دروغ شاخدار برای وی بگوید و گفت:

روزی من در همین شهر خودمان یک خیار کاشتم. خیار سبز شد و از زمین بیرون آمد و ازبوته آن دوشاخه‌پدیدار گشت. یک شاخه روبه‌جنوب روئید و به‌سوی همدان جلو رفت و از آن‌جا به‌طرف کرمانشاه‌متمایل گشت واز مرز خسروی گذشت و روبه صحرای عربستان نهاد، و شاخهٔ دیگر به‌طرف‌شمال روئید و آمد رسید به جاده تهران‌ـ تبریز و سرش رابه‌راست کج کرد و روبه تهران رفت... رفت...

دروغگوی "نمکی"، که از حرکت قهرانهٔ بوتهٔ خیار متحیر مانده و بیچاره شده‌بود، فریاد کشید و گفت: ای مرد حیا کن! بوتهٔ خیار به‌این درازی نمی‌شود!

رقیبش گفت: اگر مقدار نمک را تخفیف ندهی، بوته‌خیارتا "سبزی میدان" تهران‌خواهد رفت.

شخص ثالثی که گفتگوی آنها را گوش‌می‌کرد، درمیان صحبت دوید و خطاب به "دروغگوی" ناصح گفت: بیهوده خودت راخسته‌مکن. من این آدم‌را می‌شناسم. اگر بوتهٔ خیار را به چین وماچین هم ببری، او از نمکش یک مثقال کسرنخواهدکرد. دروغ در رگش جریان دارد.

"کارشناس امورماهواره‌ای" پس از نقل این داستان سکوت کرد. من گفتم: داستان شما گرچه ناظر بر مطلب است، ولی این‌که‌تفسیرخبر نشد!

"کارشناس"، که سئوال من به‌یادش آمد، این‌بار به خود تفسیر پرداخت گفت:

به‌نظر من مسئله ازدوحال خارج نیست: یا آن "ماهواره‌ای" که‌خبرنگار "کیهان" از رشت خبر داده، بچه‌مرغابی‌بوده، که‌به‌تازگی‌پروبال درآورده واز مرداب انزلی به‌پرواز درآمده، و یا این‌که "پاسداری" که‌به‌این "ماهواره" "تیراندازی کرده و تیرش سیصدهزارمتر به‌آسمان رفته و "ماهواره" را مجبور به "گریختن" به‌شوروی کرده، به‌عوض‌تفنگ، "موشک قاره‌پیما" بردوش داشته.

و اما جالب‌تر از این، مسئله "گریختن" است. معلوم می‌شود "روسها" "ماهواره‌جدیدی" اختراع کرده‌اند، که خاصیت خرگوش دارد. درجو اثیر، در حالی‌که با سرعت ده‌کیلومتر در ثانیه‌به پیش می‌رود، هرجا خطری حس کرد، فورا" هر چهارپایش را محکم به‌هوا می‌چسباند، یعنی ترمز می‌کند، و بعد با تغییر جهتی درحدود ۱۸۰درجه و باهمان سرعت، به‌جایی "می‌گریزد" که از آنجا آمده بود....

به‌هرحال، باید درانتظار "اکتشافات" جدید گردانندگان "کیهان" و امثالهم درباره "اختراعات جدید روسها" بود.

www.iran-archive.com

سفیر شوروی در ایران، در مراسم روز ملی شوروی در نمایشگاه بین‌المللی گفت:

اتحاد شوروی آماده گسترش روابط اقتصادی و تجاری برابر با ایران است

*** امپریالیسم بین‌المللی در تلاش محاصره اقتصادی ایران است، لیکن ایران دوستان زیادی دارد. ما اطمینان داریم که کلیه مساعی دشمنان جمهوری اسلامی ایران با شکست روبرو خواهد شد.**

*** معاون وزارت بازرگانی ایران: امیدوارم شرکت وسیع شوروی در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی گام مثبت دیگری در جهت افزایش مبادلات بازرگانی بین دو کشور و انگیزه خوبی برای توسعه همکاریهای اقتصادی براساس منافع متقابل باشد.**

روز ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پنجشنبه ۳ مهرماه ۱۳۵۹، در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران با حضور سفیر این کشور در جمهوری اسلامی ایران و تعدادی از سفرای خارجی مقیم ایران و مسئولین غرفه‌های شرکت‌کننده در محل نمایشگاه برگزار شد.

پس‌از پخش سرود دو کشور ایران و شوروی و برافراختن پرچم دو کشور، سفیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جمهوری اسلامی ایران، ضمن اظهار خوشوقتی از شرکت در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی تهران، دربارهٔ چگونگی مبادلات تجاری میان ایران و شوروی و گسترش روابط اقتصادی، سخنانی ایراد کرد. وی از جمله گفت:

«روابط اقتصادی کشورهای ما دارای گذشتهٔ پرسابقه‌ایست. خود همسایگی خلقهای ما، نفع مبادلات اقتصادی بین دو کشور ما را تصریح میکند. علاوه‌بر این، بازرگانان ایرانی از دیرباز از خاك کشور مابعنوان کوتاهترین و مطمئن‌ترین راه ارتباط با کشورهای اروپائی استفاده میکرده‌اند.

روابط تجاری و اقتصادی، اگر براساس اصول برابری طرفین و سود متقابل استوار باشد، اهمیت سرشاری در زندگی ملت‌ها دارند، زیرا به‌بسط وتوسعه اقتصاد کشورها کمك میکنند و روابط دوستانهٔ بین‌آنها را استحکام میبخشند. مخصوصا بهمین‌علت رعایت کامل و اکید اصول مزبور، یعنی اصل برابری طرفین و سود متقابل، همواره جنبه مشخصه روابط اقتصادی و تجاری شوروی و ایران بوده و هست.

کشور ما بعد از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، یعنی در مدت بیش از ۶۰ سال از پیشرفت و ترقی‌خود، تبدیل به کشور صنعتی پیشرفته‌ای، با سطح عالی فرهنگ شده است و بهمین جهت امکانات ما برای بسط و توسعه روابط اقتصادی و سایر روابط با دیگر کشورها بمراتب افزایش یافته است. در کشور شما، با کالاهائیکه بطور سنتی از اتحاد شوروی صادر میشوند، یعنی با چنان کالاهائی مانند چوب و سیمان و فلزات‌و محصولات شیمیائی و مواد رنگ‌کننده و کودها، بخوبی آشنائی دارند. در کشور شما دستگاههای کثیر تراش‌فلزات و لوازم آردسازی و کمباین‌های برداشت غله و لوازم و ماشین‌آلات انرژتیك و صنایع ذوب آهن، که در اتحاد شوروی ساخته شده‌اند، مورد استفاده هستند. در اینجا موتورسیکلت‌های ساخت شوروی، لوازم و ادوات مختلف وبسیاری از کالاهای دیگر بخوبی معرفی شده‌اند.همگان با نقش عمده‌ای‌که‌کار مجتمع ذوب‌آهن اصفهان در اقتصاد ایران دارد، و با همکاری فنی اتحاد شوروی ساخته شده و اولین مخلوق صنایع سنگین کشور شماست، آشنا هستند. موقعیکه شما در داخل کشور مسافرت میکنید، بدون شك سیلوهای زیادی را می‌بینید، که اکثر آنها با کمك اتحاد شوروی ساخته شده‌اند.

مایلم بطور خاص خاطرنشان سازم که، اتحاد شوروی عمده‌ترین خریدار کالاهای سنتی مختلف‌ایران، از جمله خریدار عمده فرآورده‌های صنایع ایران‌است. این امر بدون شك به تحکیم و توسعه صنایع ایران کمك میکند.

بدین‌ترتیب اجمالا میگویم که همکاری اقتصادی و تجاری اتحاد شوروی و ایران، در حالیکه برای هردو طرف سود متقابل بارمغان می‌آورد، به تحکیم استقلال اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نیز کمك میکند. در کشور ما بخوبی به این گرایشهای ایران نو وقوف دارند و در این گرایشها سهیم هستند. فکر میکنم که بنفع هردو کشور است که در آینده نیز در همین راه پیش بروند. موافقتنامه اقتصادی که چندی پیش منعقد گردید و همچنین موافقتنامه‌های جدیدی، که بدون‌شك در آینده منعقد خواهند شد، به این هدف کمك و مساعدت میکنند.

اکنون امپریالیسم بین‌المللی در تلاش محاصره اقتصادی ایران است و سعی دارد ارادهٔ خود را به‌کشور شما تحمیل کند. لیکن ایران دوستان زیادی دارد. در کشورهای دیگر نیز شخصیت‌هائی هستند که طرز فکر سلبی دارند، و ما اطمینان داریم که کلیهٔ مساعی دشمنان جمهوری اسلامی ایران با شکست روبرو خواهند شد.

البته غرفه اتحاد شوروی در نمایشگاه بازرگانی تهران، که ما از شما دعوت‌میکنیم از آن دیدن‌فرمائید، نمیتواند تمامی امکانات کشور ما را در ذهنتان مجسم کند. غرفه مزبور برای اینکار بی‌اندازه کوچك است، گرچه بزرگترین غرفه نمایشگاه است. ما حاضریم‌بطور عملی مسائل مربوط به مناسبات بازرگانی‌مان را مورد بحث‌و مذاکره قرار دهیم. برای‌این‌منظور ای. گریشین، معاون وزیر بازرگانی اتحاد شوروی، واردایران گردیده است.

مایلم بطور خاص خاطرنشان سازم که قسمتی از غرفه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را نمایشگاه جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان تشکیل می‌دهد، که یکی از ۱۵ جمهوری برابر حقوق کشورماست، جماهیری که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را تشکیل داده‌اند.

برای شرکت در این نمایشگاه بازرگانی، هیئت نمایندگی دولت‌جمهوری‌شوروی سوسیالیستی‌ازبکستان، بریاست آقای **آشور علی‌یف**، معاون رئیس شورای وزیران ازبکستان، به تهران آمده است. امیدواریم‌که شرکت اتحاد شوروی در نمایشگاه بین‌المللی تهران‌به بسط و توسعه روابط متقابلا مفید اقتصادی و تجاری‌بین دو کشور کمك و مساعدت خواهد کرد و همچنین به تماشاچیان اجازه خواهد داد، تا حدی با زندگی کشور همسایه و دوست جمهوری اسلامی ایران آشنا شوند. همه اینها بنفع تحکیم دوستی بین خلقهای دو کشور ما خواهد بود.

ل. ای. برژنف، صدر هیئت‌رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در پیام خود به حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، ابراز امیدواری کرد که:

«روابط بین دو کشور ما در آینده نیز براساس اصول دوستی و حسن همجواری و برابری و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر پی‌ریزی خواهد شد و بسط و توسعه بعدی این روابط براساس مذکور به امر صلح و امنیت بین‌المللی خدمت خواهد کرد».

همهٔ مردم شوروی کاملا با این اظهارات همصدا هستند. ما برای ملت ایران،که همسایه ما است،احترام زیادی قائل هستیم، گرایش آن را به زندگی بهتر و حصول استقلال واقعی درك میکنیم و آرزومند پیروزی آن هستیم.

در خاتمه مایلم از دولت ایران و سایر سازمان‌هائی که به‌شرکت اتحاد شوروی درنمایشگاه بازرگانی بذل مساعدت کرده‌اند، سپاسگزاری نمایم و موفقیت برگزاری نمایشگاه را آرزو کنم.»

سخنران بعدی آقای **آشور علی‌یف**، معاون رئیس شورای وزرای جمهوری‌ازبکستان بود. او از جمله‌گفت:

«صنایع چندین رشته‌ای نقش عمده‌ای در اقتصاد ازبکستان ایفا میکنند. بیش از ۲۵۰۰ موسسه صنعتی سرگرم تولید فولاد و هواپیما و تراکتور و ماشین‌آلات مخصوص جمع‌آوری محصول پنبه و دستگاههای‌نساجی و ترانسفورماتور نیرو و کابلهای مختلف و لوازم و تجهیزات پیچیدهٔ صنایع شیمی و صنایع تصفیه پنبه و صمغ نساجی و لوازم الکترونیکی منحصر بفرد هستند.

سطح عالی فعلی صنایع ما نتیجه آنستکه دولت شوروی، از نخستین روز موجودیت خود، شرایط مادی و اجتماعی لازم را جهت پیشرفت و ترقی اقتصادی و فرهنگی همه‌جانبه کلیه ملل و اقوام کشور فراهم‌کرد.

ولادیمیر ایلیچ‌لنین، بنیانگذار دولت‌ما، میگفت:

«کمونیسم یعنی حکومت شوروی باضافه برقی کردن تمام کشور».

این فرمول لنین بطور موفقیت‌آمیزی جامه عمل می‌پوشد. امروزه ازبکستان در هر شبانه روز ۹۱٫۷ میلیون کیلووات ساعت و بعبارت‌دیگر ۶۴ هزار کیلووات‌ساعت نیروی برق در هر دقیقه تولید میکند.

صنایع شیمی و صنایع ذوب فلزات سیاه و رنگی با سرعت‌سرشاری بسط و توسعه‌می‌یابد. جمهوری ما مقادیر زیادی مس و سرب و روی و ولفرام وفلزات نادر و الیاژهای مقاوم تولید میکند.

در جمهوری موسسات بزرگ صنایع نساجی و ابریشم‌کاری و صنایع غذائی و فرآورده‌های گوشت تاسیس شده است. جمهوری تمام مجموعه وسایل فنی مورد نیاز مکانیزاسیون کامل امور کشت و برداشت محصول پنبه را تولید میکند.

بسط و توسعه صنایع شیمی و صنایع ماشین‌آلات کشاورزی و بطورکلی صنعتی‌کردن جمهوری اثر رضایت‌بخشی در تمام کشاورزی بجا گذاشت.

در جمهوری ما ۴۱ موسسه علمی کشاورزی، از جمله ۴ آموزشگاه عالی‌دایرهستند. دانشمندان‌ازبکستان بهترین انواع پنبهٔ جهان را پرورش داده‌اند.

ازبکستان پایگاه‌اصلی تولید پنبه‌درکشور است. در سال ۱۹۷۹، ۵ میلیون و ۷۶۰ هزار تن یا ۶۳ درصد پنبه تولیدی اتحاد شوروی، در ازبکستان برداشت شد. از این مقدار ۳ میلیون و ۴۹۲ هزار تن، یعنی ۶۰ درصدتمام‌پنبه تدارك شده با وسایل‌ماشینی برداشت‌شد.

جمهوری ما بیش از نصف پیله‌های کرم ابریشم تولیدی در اتحاد شوروی را تامین میکند. در سال۱۹۸۰ ابریشم‌کاران جمهوری ۳۰٫۳ هزار تن پیله کرم‌ابریشم به دولت فروختند.

در ازبکستان نباتات غله‌ای، یعنی گندم و برنج و ذرت و نباتات دیگر نیز تولید میشود. تولید غله به ۳ میلیون تن از جمله تولید ذرت به ۱٫۳ میلیون وتولید برنج به ۵۰۰ هزار تن رسیده است.

ازبکستان صد درصد کنف تولیدی اتحاد شوروی را تولید میکند.

جمهوری ما ۸۰ درصد کشمش تولیدی اتحاد شوروی را تامین میکند.

در دورهٔ حکومت شوروی، ساختمان تاسیسات آبیاری دامنه واقعا بیسابقه‌ای کسب کرده است. آغاز کارهای بزرگ مربوط به اقتصاد آب، براساس کاملا جدید اجتماعی و اقتصادی،براثر صدور فرمان تاریخی مورخ ۱۷ ماه مه سال ۱۹۱۸ دولت شوروی، که‌بامضاء و. ای. لنین رسید:«**دربارهٔ اختصاص ۵۰ میلیون روبل برای امور آبیاری در ترکستان و درباره سازمان دادن امور مزبور**» عملی گردید. در نتیجه اقدامات مزبور ۱۶۵ هزار هکتار اراضی جدید در «دشت گرسنه»آباد و آبیاری شد.

در حال حاضر سازمانهای علمی تحقیقی و برنامه‌ریزی در زمینه انتقال آب رودخانه‌های سیبری به جنوب کشور فعالیت میکنند. کانالی که برای این‌منظورساخته خواهد شد، بصورت رودخانه مصنوعی خاصی به طول۳ هزار کیلومتر و عرض ۳۵۰ الی ۴۰۰ متر و بعمق ۱۲ تا ۱۵ متر خواهد بود. یك چنین ساختمانی در امور ساختمان تاسیسات آبی جهان واقعا بیسابقه است. رود مزبور درواقع دومین جیحون آسیای میانه خواهد بود.

ترقی و پیشرفت آموزش در جمهوری ازبکستان یکی از صفحات برجسته تاریخ فرهنگ ازبکستان شوروی است که در آن، تا قبل از انقلاب، ۹۸ درصد سکنه بکلی بیسواد بودند. در حال حاضر ازبکستان، علیرغم پیشگوئیهای «جامعه شناسان» و سیاستمداران غربی، که اظهار میداشتند ریشه‌کنی بیسوادی در ترکستان قرنها طول خواهد کشید، مبدل به ناحیه‌ای شده است که همهٔ مردم آن باسواد هستند. در ۹۴۵۸ دبیرستان جمهوری، ۳۸۷۵٫۸ هزار دانش‌آموز مشغول تحصیل هستند. در جمهوری ۴۷۶ آموزشگاه حرفه‌ای فنی دایر است، که ۲۱۱ هزار نفر در رشته‌های مختلف فنی در این آموزشگاهها به کسب علم اشتغال دارند.

دانشگاه دولتی، که در سال ۱۹۲۰ پیرو فرمان و.ای. لنین درشهر تاشکند تاسیس‌شد، اولین‌آموزشگاه عالی آسیای میانه بود. اکنون در جمهوری ازبکستان ۳ دانشگاه و ۴۲ آموزشگاه عالی وجود دارد، که در آنها ۲۷۰ هزار دانشجو مشغول تحصیل هستند.

آخرین سخنران این مراسم، آقای **فتاحی**، معاون وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران بود. او ازجمله گفت:

«خوشوقتم که درمراسم روز ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی تهران شرکت می‌نمایم. همانطور که مستحضرید، این اولین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی می‌باشد، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران برپا میشود و همزمان با تحریم اقتصادی غرب علیه ایران است، که‌البته این تحریم خود عامل مثبتی در جهت تسریع حرکت ما بسوی هدف توسعه اقتصادی و کاهش هرچه بیشتر وابستگی اقتصادی و حصول به خودکفائی نسبی‌میباشد.

ایران و شوروی از قدیم‌الایام با یکدیگر دارای روابط بازرگانی گسترده‌ای بوده و تجار دو کشور نه‌تنها به مبادله کالاهای ساخت یکدیگر مبادرت میورزیدند، بلکه از راههای یکدیگر در امر مبادله با کشورهای ثالث نیز بهره میگرفته‌اند و شوروی همواره راه طبیعی مطمئن و نزدیك برای تجار ایرانی، که با اروپا روابط تجاری داشتند، بوده است.

اصولا بازارهای طبیعی و اولین بازار فروش و یا منبع تامین کالاها همسایگان هر کشور می‌باشند، بویژه اینکه دو کشور بزرگ با امرزهای بسیار طولانی‌همسایه یکدیگر باشند.

دو کشور بزرگ ما نه‌تنها دارای سوابق‌تاریخی و روابط سنتی و فرهنگی با یکدیگر میباشند، بلکه انقلاب شکوهمند اسلامی ایران فرصتها و امکانات‌جدید و بسیاری را برای بسط و توسعه همکاریهای اقتصادی و مبادلات بازرگانی بین دو کشور براساس منافع‌متقابل دوستی، حسن همجواری، تساوی حقوق، احترام به حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر فراهم‌آورده است.

طی سالهای اخیر شوروی از طرفهای عمده‌تجاری ایران و بویژه بزرگترین خریدار کالاهای صادراتی سنتی و صنعتی غیرنفتی ایران بوده است. همچنین از منابع عمده تامین کننده بعضی از کالاهای وارداتی ایران نظیر ماشین‌آلات، آهن‌آلات، چوب و تخته و تراورس، کاغذ و مقوا، سیمان، مواد شیمیائی، کود شیمیائی و پنبه‌نسوز بوده است.

دو کشور تاکنون طرحهای بزرگ مشترك‌متعددی نظیر کارخانجات ذوب‌آهن، ماشین‌سازی، نیروگاه برق، سیلو، سدسازی داشته‌اند.

گو اینکه بعد از انقلاب اسلامی‌ایران مشکلات اجتناب‌ناپذیر ناشی از هر انقلاب بزرگی، وقفه‌ای در همکاریهای اقتصادی و اجرای طرحهای مشترك صنعتی پیش آورد، لیکن طی ماههای گذشته مذاکرات متعدد و توافقات سودمندی در جهت تکمیل طرحهای ناتمام و توسعه همکاریهای اقتصادی‌فیمابین‌صورت‌گرفته‌است.

در ژوئن گذشته نهمین اجلاسیه کمیسیون دائمی مشترك وزیران دو کشور برای همکاریهای اقتصادی و فنی در مسکو تشکیل و با امضای پروتکل مربوطه، تصمیمات مقتضی درمورد طرحهای همکاریهای اقتصادی بین دو کشور در زمینه‌های گوناگون و توسعه این همکاریها اتخاذ نمودند.

با امضای قراردادی در زمینه امور ترانزیت بین دو کشور، که در سپتامبر جاری در مسکو پاراف گردید، گام مثبت دیگری در زمینه همکاریهای فیمابین برداشته شد، بخصوص با توجه به مشکلاتی که پیش از انعقاد قرارداد مذکور در امر ترانزیت فیمابین‌بوجود آمده‌بود، امید میرود با انعقاد این قرارداد، منبعد مسئله‌ای درامر ترانزیت بین دو کشور پیش نیامده و این قرارداد عامل تحکیم مناسبات تجاری فیمابین باشد.

هم‌اکنون نیز جناب آقای گریشین، معاون وزیر بازرگانی خارجی شوروی، در راس هیئت عالیرتبه‌ای که جناب آقای آشور علی‌یف، معاون‌رئیس شورای وزیران جمهوری ازبکستان نیز هیئت را همراهی می‌نمایند، در تهران بسر میبرند، که طی روزهای گذشته تبادل‌نظرهای مفید و ثمربخشی در زمینه مسائل مختلف‌بازرگانی بین دو کشور و طرق افزایش آن با ایشان داشته‌ایم.

باتوجه به اولویت اول برنامه اقتصادی ما، که حصول به استقلال‌اقتصادی می‌باشد، بدیهی است که مبادلات تجاری نیز بایستی با هدف انتقال تکنولوژی به ایران انجام پذیرند.

ملی‌شدن تجارت خارجی ایران، که بموجب اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی انجام میگیرد، کنترل امر مهم تجارت‌خارجی را بدست‌دولت میدهد، تا تجارت خارجی را در جهت تحقق هدف استقلال اقتصادی کشور سوق دهد.

امیدوارم شرکت وسیع‌شوروی‌در هفتمین‌نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی ایران گام مثبت دیگری درجهت افزایش مبادلات بازرگانی بین دو کشور و انگیزه‌خوبی برای توسعه همکاریهای اقتصادی براساس منافع متقابل باشد.

تشنج آفرینی...

بقیه از صفحه ۱

از سوی ما و دیگر نیروهای راستین انقلاب اغلب بدرستی پیش‌بینی‌شده،طبق‌اسناد واطلاعات موثق بموقع افشا گردیده است. رژیم مزدور بعثی عراق فقط‌یکی از آلت‌های خارجی اجرای بخشی از این توطئه گسترده است. جنگی که آمریکاازطریق تجاوز مستقیم نظامی رژیم بعثی عراق علیه ایران آغاز کرده است، در عین‌حال باید همگان را بیشتر به زیانهای فوق‌العاده و خطرات تشنج‌آفرینی و غائله‌سازی دراین موقع متوجه سازد.

تشنج‌آفرینی از سوی‌امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش به‌شکل‌های‌مختلف‌صورت‌میگیرد: یك‌روز با ایجاد درگیری، حمله به گروهها، دفاتر آنها، کتاب‌فروشیها در گوشه وکنارکشور، روز دیگر با دروغ‌سازی وشایعه پراکنی بمنظور ایجادصفوف‌دراز در جلوی مغازه‌ها و دکان‌ها، تحریك و تحریص مردم به‌خرید بیش‌از اندازه خواربار و اجناس مورد نیاز عموم تشنج آفریده‌می‌شود. از اینرو نیز رهبر انقلاب‌و بنیانگذار جمهوری‌اسلامی ایران امام خمینی در پیام تاریخی‌خود متذکر شدند:

«یك حرف با ملت ایران است که هم خونسردی خودشان‌راحفظ کنند و هم این شایعه‌سازها را جلویشان را بگیرند و هیچ‌اعتنا به شایعه‌ها نکنند».

رهبر انقلاب بویژه تاکید کردند که:

«اگر از این افراد کسی‌پیدا شده که یك همچون تحریکی کرد، بگیرید او را و تحویل بدهید به کمیته‌هایی‌که هستند».

تحریك و تشنج‌آفرینی در شرایط جنگی، که امپریالیسم آمریکا بوسیله رژیم مزدوربعثی عراق بما تحمیل کرده است، از سوی هرکس، هر مقام، هرگروه و هر سازمانی باشد، عملی است ضدانقلابی، عملی است به زیان انقلاب و جمهوری‌اسلامی ایران، به‌سود دشمن سوگندخورده ما امپریالیسم‌بسرکردگی‌امپریالیسم آمریکا.

با کمال تاسف دیده میشود که بازهم هستند کسانیکه بدام‌ضدانقلاب میافتند و اغلب از این‌راه است که در گوشه وکنارکشور، ازجمله در مازندران (قائم‌شهر)و یادرآذربایجان(ارومیه)، درگیلان ویادرکردستان (مهاباد) و غیره درگیری، غائله و تشنج ایجاد میشود. گاه‌گاه دیده می‌شود که بعضی اعمال نسنجیده برخی مقامات قوای قضائیه، اجرائیه و [illegible] جمهوری اسلامی در ایران نیز خواه ناخواه سبب نارضائی‌و تشنج میشود. بطوریکه‌دادستان کل‌جمهوری‌اسلامی ایران آیت‌الله‌موسوی اردبیلی‌متذکرشدند، یك‌دادگاه انقلابی بدون اطلاع دستگاه قضائی کاری میکند که در شان قوهٔ قضائیه جمهوری اسلامی ایران نیست. یا یك کارمند آموزش و پرورش از دانش‌آموز «تعهد»ی میخواهد که، به نوشتهٔ استاد علی تهرانی، «وسیله‌ایست برای جلوگیری از حضور نوجوانان ما در صحنهٔ سیاست» و «بامصالح عالیه اسلام و انقلاب اسلامی متضاد است».

در شرایط کنونی، که عوامل امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش سخت در کمین‌اند، تا از هر نارسائی در امور و نارضائی بسود خود و برای‌ایجاد تشنج علیه نظام جمهوری‌اسلامی ایران بهره‌گیرند، بر همه مردم و همه نیروهای راستین انقلاب است که رهنمودهای رهبرانقلاب را نصب‌العین خویش سازند، نهایت هوشیاری را با حداکثر متانت انقلابی توام‌کنند، مصالح اصولی و عمومی نظام انقلابی را بر هرچیز دیگر مقدم شمارند و با همکاری نزدیك با نهادهای انقلابی و ارگانهای‌دولتی‌جمهوری اسلامی، از هرگونه درگیری، تشنج‌آفرینی‌وغائله‌سازی‌جلوگیری

www.iran-archive.com

حزب کمونیست عراق: اکنون هماهنگی کامل میان سیاست امپریالیسم امریکا و رژیم عراق بر ضد ایران پدیدار شده است

آخرین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، که اواخر تیرماه برگزار شد، در اعلامیه‌ای نظر حزب برادر را دربارهٔ مهم‌ترین مسائل داخلی، منطقه‌ای وجهانی ابراز داشت. ما در زیر چکیده‌ای از این اعلامیه را از نظر خوانندگان میگذرانیم:

تعمیق بحران داخلی رژیم بعث عراق

رویدادهای ماههای گذشته صحت پیش‌بینی‌های پلنوم ژوئیه (تابستان) سال پیش را به‌ثبوت رسانیده‌است. دراین مدت‌بحران داخلی رژیم ژرف‌تر شد. یکی ازمظاهر این بحران «پاکسازی»های خونین بود. بدنبال اعلام به‌اصطلاح عقیم‌گذاشتن یك توطئه کودتایی علیه صدام و دارودسته‌اش، ۲۱ تن از شخصیت‌های برجسته رهبری حزب بعث، ازجمله ۵ عضو رهبری منطقه‌ای، اعدام، دهها کادر سیاسی و نظامی دستگیر و به‌حبس‌های سنگین محکوم و هزاران عضو وهوادارحزب بعث «پاکسازی» شدند.

شووینیسم و خودکامگی دارودسته حاکم در برابر مسئله ملی، بحران کردستان را عمیق‌تر کرد. سیاست ارتجاعی مخالفت با حقوق ملی خلق‌کرد، بازستانی حقوق اعلام شده و پیگیری سیاست «کردزدایی» و «ادغام»مردم کرد در سکنه عرب هرچه بیشتر شدت می‌یابد. ازسوی دیگر، نیروهای کرد مبارزه خویش را علیه‌دارودسته دیکتاتوری گسترش بخشیده‌اند. امروزه، بخش بزرگ ارتش عراق در کردستان تمرکز یافته و آنجا را به سرزمینی اشغالی تبدیل ساخته است.

سیاست تبعیض‌نژادی و مذهبی خشم توده‌های مردم را برانگیخته است. اعدام‌های گروهی، «پاکسازی» دهها هزار نفر و چپاول و مصادرهٔ دارائی آنها، نفرت‌مردم را از دارودسته صدام‌حسین روزافزون میسازد.

انزوای روزافزون رژیم صدام‌حسین

پابپای عریان‌شدن دیکتاتوری فردی و رسواگشتن شعارهای توخالی «دمکراسی»، «ترقی» و غیره صدام‌حسین، بیزاری مردم از حزب حاکم افزایش می‌یابد. رسوایی‌صدام و دارودسته‌اش تنها در محدودهٔ جغرافیائی عراق باقی نمی‌ماند. با وقوف هرچه بیشتر خلق‌های منطقه و جهان و دولت‌های مترقی به سیاست فریب، دروغ و تزویرصدام و همقطارانش، رژیم عراق به انزوا کشیده میشود.

رژیم عراق، برای خروج از این بن‌بست، کمدی انتخابات «مجلس ملی» و «مجلس منطقه خودمختار» را بپا کرد و خواست به جهانیان بنمایاند که گویا درعراق اراده مردم و دمکراسی حاکم است. درحالیکه در این انتخابات، احدی بدون موافقت کامل گردانندگان رژیم بعث حق نامزدی را نداشت.

تشدید وابستگی به امپریالیسم

سیاست اقتصادی رژیم هرچه بیشتر به وابستگی عراق به‌کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری می‌انجامد، در چارچوب‌های گوناگون باسیاست انحصارات امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی عضو «اوپك» و علیه مصالح‌وهدفهای مبارزه خلق‌های منطقه هماهنگ میشود و به استقرار مناسبات اقتصادی برابر در پهنه بین‌المللی لطمه وارد میاورد. مناسبات اقتصادی عراق باکشورهای پیشرفته سرمایه‌داری تنها به واردکردن کالاهای غیرضروری و استخدام«کارشناسان» محدود نمیشود، بلکه‌همچنین‌توسعه قراردادهای تسلیحاتی باشرکت‌های انحصاری‌چندملیتی‌را دربر میگیرد. این سیاست‌درآمدهای عراق را بجیب انحصارگران غرب سرازیر میکند و استقلال و حاکمیت ملی ما را بخطر میاندازد.

پیروی از سیاست «درهای باز» سبب شده است که هرچه‌بیشتر، ارز کشور در راه خرید کالاهای بنجل کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی بهدر رود و به تولید و رشد صنعت ملی ضربه‌های مهلك وارد آید.

پابپای تحکیم مناسبات اقتصادی‌باکشورهای‌سرمایه‌داری وامپریالیستی، حجم‌مبادلات‌بازرگانی عراق‌باکشورهای سوسیالیستی و رشد یابنده روبکاهش میرود.

سیاست نفتی رژیم آشکارا در جهت عکس مصالح ملی عراق و بسود انحصارات نفتی سیر میکند. مذاکرات اخیر کشورهای عضو «اوپك» نمایانگر تبانی و هماهنگی رژیم عراق با عربستان سعودی علیه آن دسته ازکشورهای تولیدکننده نفت است، که خواستار افزایش بهای نفت هستند. اصرار عراق و عربستان سعودی در افزایش‌تولید و صادرات نفت، ضربه‌ایست به‌آن گروه ازکشورها، که از بهدردادن ثروت ملی خود خودداری می‌ورزند. افزایش صادرات نفت عراق سبب شده‌است که انحصارگران‌جهانی از کاهش میزان استخراج و صدور نفت ایران دچار مضیقه نگردند و کمبودی را، که از این بابت پدید آمده است، از راه افزایش خرید نفت عراق جبران کنند. چنین می‌نماید که زمامداران عراق درنظر دارند میزان استخراج نفت را به ۴٫۵ میلیون بشکه در روز برسانند ـ اقدامی که نه ازنظر اقتصادی قابل توجیه است و نه‌پاسخگوی‌مصالح ملی و میهنی ماست. اصرار رژیم عراق برای فروش‌نفت به بهایی کمتر از دیگر کشورهای عضو «اوپك» (بجز عربستان سعودی) سبب شده است که‌تنها در سال۱۹۷۹ هشت میلیارد دلار ثروت خلق عراق به جیب انحصارات امپریالیستی و دلالان آنها، ازجمله اطرافیان صدام و جارچیان خارجی رژیم او، سرازیر گردد.

استخراج بی‌رویه نفت از یکسو میلیاردها دلار ارز عراق را در بانکهای کشورهای امپریالیستی تلنبار کرده و از سوی دیگر به تورم توانفرسا انجامیده است ـ امری که هم برای اقتصاد ملی عراق زیانبار بوده و هم بار سنگینی بردوش زحمتکشان ما نهاده است.

همکاری با رژیم‌های ارتجاعی منطقه و مقابله با کشورها و جنبش‌های مترقی

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق‌در سال گذشته رژیم عراق را بعنوان رژیمی نفاق‌افکن، خرابکار و توطئه‌گر توصیف کرده بود. رویدادهای ماههای اخیر بخوبی صحت این ارزیابی را بثبوت رسانیده است.

همکاری‌های رژیم عراق و حکومت ارتجاعی‌عربستان سعودی را دیگر نمیتوان پرده پوشید. رژیم عراق‌همواره در راه ایجاد محور عراق ـ عربستان سعودی ـ اردن علیه سوریه، جبههٔ پایداری و انقلاب فلسطین تلاش می‌ورزد. اعلام نظریه «پشتیبانی از هر عرب علیه هر بیگانه!» در کنگره سران کشورهای عرب در تونس بیانگر مشی انحرافی رژیم عراق است. اعطای دهها میلیون دلار به سومالی، رژیمی که خاك کشورش را برای‌ایجادپایگاههای نظامی در اختیار امپریالیست‌های آمریکائی گذاشته است، پاداش موضع‌گیری سومالی علیه شوروی واتیوپی است.

عراق در دوران گذشته علیه جمهوری دمکراتیك خلق یمن به انواع توطئه‌ها متوسل شده است‌و تبلیغات زهراگین محافل امپریالیستی و ارتجاعی را علیه این کشور تکرار میکند. عراق همچنین سیاست اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را مورد حمله قرار میدهد.

«منشور صدام‌حسین» ـ برنامه دوستی با ارتجاع و دشمنی با نیروهای مترقی

«منشور صدام‌حسین»، که در آن از همه کشورهای ارتجاعی‌و راستگرای‌عرب‌برای‌ایجاد پیمانی‌بنام«همبستگی اعراب و استقلال» دعوت بعمل آمده‌است، هدفش مبارزه بارژیم‌های مترقی‌عرب، گسستن همپیوندی‌دوستانه‌دولت‌های ضدامپریالیست عرب و اخلال درهمبستگی میان رژیمهای مترقی عرب با اتحاد شوروی در پیکار مشترك علیه امپریالیسم است ـ همان همبستگی که ضامن استقلال ملی و پیروزی این کشورها در مقابله با دسیسه‌های خصمانه امپریالیست‌ها و صهیونیست‌هاست.

منظور از برگزاری باصطلاح کنگره خلق عرب، در روزهای ۸ـ۴ فروردین۱۳۵۹ در بغداد، تائید «منشور صدام‌حسین» بود. هدفهای این «منشور» عبارتست از: تجزیه جنبش آزادی‌بخش ملی خلق‌های عرب، رویارویی با «کنگره ملت عرب»، مرکب ازهمه نیروهای ملی ومترقی عرب، مقابله با «جبههٔ پایداری»، نوازش وگردآوری سرسپردگان دیرینه استعمار انگلستان و مزدوران‌سادات، خصومت با جمهوری دمکراتیك خلق یمن، اخلال در کار جبهه ملی و دمکراتیك یمن شمالی، آتش‌گشایی بسوی سوریه ـ درست درهنگامیکه این کشور درگیرتوطئه‌هاو تهدیدات امپریالیسم، تجاوزات اسرائیل و خرابکاری گروههای ارتجاعی داخلی است.

سیاست ضدفلسطینی

رژیم عراق همین سیاست را درقبال انقلاب‌فلسطین و سازمانهای رزمنده فلسطینی دنبال میکند. این رژیم تفرقه‌افکنی و تضعیف فعالیتهای سازمانهای فلسطینی را بخشی از برنامهٔ خود ساخته است. بستن دفاتر «جبههٔ دمکراتیك برای آزادی فلسطین» و «جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین» و اخراج ۳۲ خانوار فلسطینی نمونه‌هایی از اقدامات ضدفلسطینی دارو دسته صدام حسین است، که درست همزمان با پشتیبانی ملك‌حسین از انعقاد قرارداد جداگانه «صلح» درمورد کرانه غربی رود اردن و بدون شرکت «سازمان آزادی‌بخش فلسطین» صورت‌میگیرد.

شکست «کنگره بغداد» در فروردین ۱۳۵۹ نشان داد که جنبش آزادی‌بخش ملی عرب به برداشت‌ها، نقشه‌ها و نتیجه‌گیریهای ارتجاعی وراستگرایانه ودسیسه‌های سلطه‌جویانه دارودسته حاکم عراق جواب رد میدهد.

آخرین گردهمایی«جبههٔ پایداری» سیاست‌زمامداران بغداد را محکوم کرد و ضرورت تقویت پیوند دوستی با اتحاد شوروی و مبارزه با امپریالیسم آمریکا، بمثابه بزرگترین دشمن اعراب، را یادآور شد.

رژیم عراق، با موضعگیری‌های خود و پیروی از سیاست‌های ارتجاعی وخرابکارانه، هرچه بیشتر ازصفوف جنبش آزادی‌بخش ملی عرب دور و به امپریالیسم و ارتجاع عرب نزدیك میگردد.

همکاری باعربستان سعودی و دیگر کشورهای ارتجاعی عرب

همکاری باعربستان علیه خلق‌های شبه‌جزیره عرب، سوریه و جنبش مقاومت فلسطین، همدستی با پادشاه‌اردن علیه نیروهای ملی اردن و خلق فلسطین، پشتیبانی از دارودسته عبدالقوی مکاوی، عنصر مرتجع وضدخلقی‌یمن، تائید آشکار از پادشاه مراکش علیه الجزایر، خلق‌صحرا و «پولیساریو»، موضع‌گیری علیهٔ «جبههٔ ملی مصر»بخاطر ارضای خاطر سادات، مذاکره با قابوس علیه خلق‌های عمان و یمن دمکراتیك، حمایت از امیر بحرین علیه‌خلق بحرین، هواخواهی از سیادباره علیه انقلاب اتیوپی، نادیده گیری تسهیلات نظامی، که رژیم‌های سومالی، عمان و بحرین به دولت‌های امپریالیستی واگذارکرده‌اند، پرداخت دهها میلیون‌دلار برای خرید مزدوران داخلی و خارجی ـ اینست نمونه‌هایی چند از سیاست‌زمامداران کنونی‌عراق.

رژیم عراق از دوستی باکشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی منحرف میشود، از راه همکاری با عربستان سعودی، اردن، مراکش و پاکستان، متحدان آمریکا، از در دوستی با واشنگتن درمی‌آید وباافغانستان، ایران، یمن دمکراتیك و سوریه ـ دشمنان آمریکا ـ به مقابله برمی‌خیزد.

موضع خصمانه رژیم بعثی در برابر انقلاب ایران

دراین زمینه، موضع فرمانروایان عراق درباره‌انقلاب ایران بس‌گویاست. آنها تا آخرین دقایق از رژیم شاه پشتیبانی کردند. اکنون هماهنگی کامل میان سیاست امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق پدیدارشده است. هرچند میان این دو دولت رابطه مستقیم دیپلماتیك وجود ندارد، این رابطه و همکاری، بطور غیر مستقیم، ازطریق‌نیروهای ضدانقلابی و ارتجاعی ایران و فراریان رژیم شاه‌مخلوع برقرارگردیده‌است. رژیم عراق، برای خوش‌خدمتی به امپریالیسم آمریکا، در ایران به خرابکاری و آشوب می‌پردازد، دشمنان انقلاب ایران را مجهز و مسلح‌میکند و به تجاوز به مرزهای آن کشور دست می‌زند.

حزب ما، حزب کمونیست عراق، همه نیروهای‌ملی مخالف رژیم دیکتاتوری را فرا می‌خواند، تا با اتحاد و تحکیم هرچه‌بیشتر صفوف‌خود در جبهه‌ای‌ملی‌ودمکراتیك، در راه واژگونی رژیم دیکتاتوری بکوشند، خلق عراق را از شر جنایات این رژیم رهایی بخشند، رژیمی دمکراتیك را، که در آن خلق کرد به خودمختاری راستین دست یابد، پایه نهند و راه ترقی و شکوفایی رابه مردم‌عراق بگشایند.

مبارزه‌مان را وحدت‌بخشیم و صف‌هایمان رافشرده‌تر سازیم!

مرگ بررژیم دیکتاتوری! پیروزی از آن خلق رزمنده ماست!

کارگر توده‌ای به اتهام تبلیغ نظریات حزب توده ایران به اخراج، ۵ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم گردید!

*** ما نسبت باین اقدام ضدانسانی، غیرقانونی و ضد انقلابی بشدت اعتراض می‌کنیم.**

چندی قبل‌رفیق غلامرضاجواهری، کارگر کارخانه پوشش شهرستان رشت و عضو شورای این کارخانه، باتهام واهی «اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی» و بموجب حکمی به امضای استاندارگیلان‌وسرپرست هیات پاکسازی استان گیلان، از کار اخراج گردید.

این اقدام آشکارا غیرقانونی و نادرست، اعتراض بحق کارگران کارخانه را برانگیخت. ولی‌متاسفانه واکنش مسئولین در قبال اعتراض بجای کارگران، دستگیری گروهی از کارگران، از جمله رفیق‌غلامرضا جواهری بود، که وی را به‌فاصلهٔ چند روز محاکمه و به‌اتهام«تبلیغ علیه جمهوری اسلامی و اشاعه‌مرام حزب توده در کارخانه»، به ۵ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم نمودند!

این اقدام، آشکارا غیرقانونی است، زیرا بدون هیچ‌دلیلی، تنها براساس بهانه‌های واهی، یك کارگر زحمتکش را، که نمایندهٔ کارگران نیز هست، از کار اخراج کرده و سپس صرفا بجرم توده‌ای‌بودن وی را به‌زندان و شلاق‌محکوم کرده‌اند.

این اقدام عملا ضدانقلابیست، زیرا مرتکبین آن، علیرغم‌هرنیتی، در شرایطی که ضرورت تامین اتحاد کلیه نیروها علیه تحریکات و توطئه‌های دشمن‌اصلی، امپریالیسم آمریکا، رژیم‌بعثی‌عراق وعوامل‌آنها امری گریزناپذیر و حیاتی است، به ایجاد تشنج درمیان کارگران پرداخته‌اند و درگیری بین نیروی انتظامی و کارگران را تحریك کرده‌اند.

مرتکبین، همچنین با حمله به توده‌ای‌ها، یعنی مدافعان صدیق و پیگیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌درواقع بجای دشمن، دوست‌و متحد را زیر ضربه قرار داده‌اند، که بازهم، علیرغم هر نیتی، عملا اقدامی مستقیما بسود دشمن است.

ما نسبت به این عمل‌غیرانسانی، غیرقانونی و ضدانقلابی شدیدا معترضیم و آزادی فوری و بدون‌قید و شرط غلامرضا جواهری و نیز بازگرداندن وی را بکارخواستاریم.

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات نفت‌ری (شرکت ملی نفت ایران) پشتیبانی مجدد خود را از امام خمینی اعلام میدارد

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات نفت ری (شرکت ملی نفت ایران) بمناسبت تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران اطلاعیه‌ای انتشار داده است. در این اطلاعیه آمده است:

«بنام خدا

اکنون که انقلاب شکوهمند ملت غیور ایران‌میرود تاجهانگیر شود و ریشه‌های پوسیده‌حکومت های دست‌نشانده را در منطقه‌از بن برکند، دولت‌خائن بعثی عراق با همکاری سرسپردگانی چون سادات خائن و اسرائیل غاصب، با دست‌زدن به اعمال ننگین و خیانتکارانه‌ای، که عملاز ارباب جهانخوار و امپریالیست خود آمریکا الهام میگیرند، در مقابل انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ملت ایران قرار میگیرند و به مملکت ما یورش ددمنشانه‌ای را آغاز کرده‌اند. بدین وسیله ما کارگران و زحمتکشان، که پشتیبان واقعی انقلاب اسلامی‌مان بوده و هستیم، آمادگی خود را در راه جانبازی برای اعتلای‌وطن عزیز و انقلاب خون‌بارمان‌اعلام نموده و باردیگر پشتیبانی خودرا از امام خمینی رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ابراز میداریم.

به‌امید پیروزی هرچه بیشتر ملت غیور و رزمنده ایران».

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارندهٔ امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شمارهٔ ۶۸
(دفتر نامهٔ «مردم» هنوز در اختیار نامهٔ «مردم» نیست)
NAMEH MARDOM
No. 343
28 September 1980

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود